

تبیین و مقایسه مشارکت اجتماعی جوانان در دو جامعه ایران و تاجیکستان

علیرضا محسنی تبریزی،* مجتبی عباسی قادی**

(تاریخ دریافت ۹۲/۰۵/۲۰، تاریخ پذیرش ۹۳/۰۲/۱۷)

چکیده: پژوهش حاضر درصدد بررسی و مقایسه مشارکت اجتماعی جوانان در دو جامعه ایران و تاجیکستان بوده است. با کاربرد روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه بر روی ۷۶۸ نفر از جوانان واقع در گروه سنی ۲۹-۲۰ ساله که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از دو شهر تهران و دوشنبه انتخاب شدند؛ داده‌ها جمع‌آوری گردید. جهت احتساب اعتبار شاخص‌ها از اعتبار محتوایی صوری کیفی، جهت احتساب روایی شاخص‌ها از ضریب آلفای کرونباخ با دامنه صفر تا یک استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی جوانان علی‌رغم این‌که پایین‌تر از سطح استاندارد تعیین شده براساس میانگین امتیازات مجموع گویه‌ها بودند؛ تفاوت معناداری بسیار اندکی نیز بین دو جمعیت آماری ایران و تاجیکستان مشاهده شده است. علاوه بر این متغیرهای اعتماد اجتماعی، نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی، نوع روابط و تعاملات اجتماعی، نوع ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه، عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری، احساس ناپهنجاری اجتماعی، احساس ازخودبیگانگی، بیگانگی اجتماعی-سیاسی، احساس محرومیت نسبی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی و سن جوانان رابطه معناداری را با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور نشان دادند و در مجموع ۵۴ درصد از واریانس مشارکت اجتماعی جوانان را تبیین کردند.

*. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران mohsenit@ut.ac.ir
**. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان mojtabaabbasighadi@yahoo.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، ص. ۹۳-۱۳۱

مفاهیم کلیدی: مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احساس نابهنجاری اجتماعی، احساس از خود بیگانگی، احساس محرومیت نسبی.

مقدمه

امروزه فرایند توسعه و بالاخص توسعه پایدار، مهمترین دغدغه و نگرانی مسئولان اکثر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌گردد. این امر نیز به نوبه خود مستلزم به‌کارگیری استعدادها و توانمندی‌های انسانی از یک سو و مشارکت^۱ فعالانه و مستمر افراد جامعه در مراحل مختلف توسعه از سوی دیگر است. از این منظر واژه مشارکت با طرح مقوله توسعه از دهه ۱۹۴۰ میلادی و با ضرورت رشد مفاهیمی چون رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی مطرح و از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی به منزله مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی و به دنبال شکست برنامه‌های اقتصادی دنبال و بالاخره با شکل‌گیری واژه توسعه پایدار در دهه ۱۹۷۰ میلادی مفهومی وسیعی به خود گرفت، به طوری که در توسعه از نوع اخیر (توسعه پایدار)، مشارکت را وسیله توسعه به‌شمار آورده‌اند؛ به‌گونه‌ای که از آن به‌عنوان حلقه گمشده فرایند توسعه یاد می‌کنند (کائوتری، ۱۳۷۹ و غفاری و نیازی، ۱۳۸۶). لذا کمتر برنامه‌ریزی محلی، ملی و بین‌المللی وجود دارد که یکی از بخش‌های مهم آن مشارکت و انگیزش اجتماعی مردم نباشد (ازکیا، ۱۳۸۷: ۲۰۴). میردال^۲ اشاره می‌کند در مشارکت عمومی^۳ به مردم این فرصت داده می‌شود که در ساختن آینده و تعیین سرنوشت خود سهم و شریک گردند (ازکیا و محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱). مارکوس و والتون^۴ اهمیت و نقش اساسی مشارکت در زندگی اجتماعی را در سه سطح ایجاد شهروند برجسته، برجسته، جامعه بهتر و نیز شیوه حکومت‌گری مطلوب برشمردند (مارکوس و والتون، ۲۰۰۲: ۵-۶). به نقل از ساروخانی و امیرپناهی، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۲). به‌طور کلی از مفهوم مشارکت با توجه به حوزه‌ها و قلمروهای مختلفی که بر آن مترتب است، تعاریف مختلفی به‌عمل آمده است. این مفهوم دارای جنبه‌های مختلف روانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است که با توجه به ویژگی‌های هر جامعه، جلوه‌های خاصی به خود می‌گیرد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۳۱-۲۹ و حامدمقدم، ۱۳۷۰: ۲۸۸). در این میان، مشارکت اجتماعی^۵ بر انواع کنش‌های فردی و گروهی در جهت تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی اطلاق می‌شود (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴ و غفاری و نیازی، ۱۳۸۶). گرچه مشارکت اجتماعی از یک سو آگاهی کامل مشارکت

1. Participation
2. Mirdal
3. Population Participation
4. Marcos & Walton
5. Social Participation

کنندگان نسبت به ضرورت مشارکت را می‌طلبند و از سوی دیگر فراهم نمودن بستر مناسبی را ایجاد می‌کند تا افراد بتوانند به‌واسطه آن به پرورش استعدادها و توانمندی‌های خود پرداخته و در جریان رشد و توسعه جامعه مشارکت داشته باشند؛^۱ بااین همه به تحقق پیش‌نیازهایی در وجود شهروندان و نظام اجتماعی نیز بستگی دارد. بر این اساس کلی و برین لینگر (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۲ و یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۲۶) مشارکت (اجتماعی) را نوعی عمل جمعی دانسته و تبیین‌های مربوط به آن را در دو سطح خرد و کلان و یا فردی و ساختاری مورد توجه قرار داده است. با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی و مقایسه مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران (تهران) و تاجیکستان (دوشنبه) بپردازد.

مفهوم مشارکت و مشارکت اجتماعی

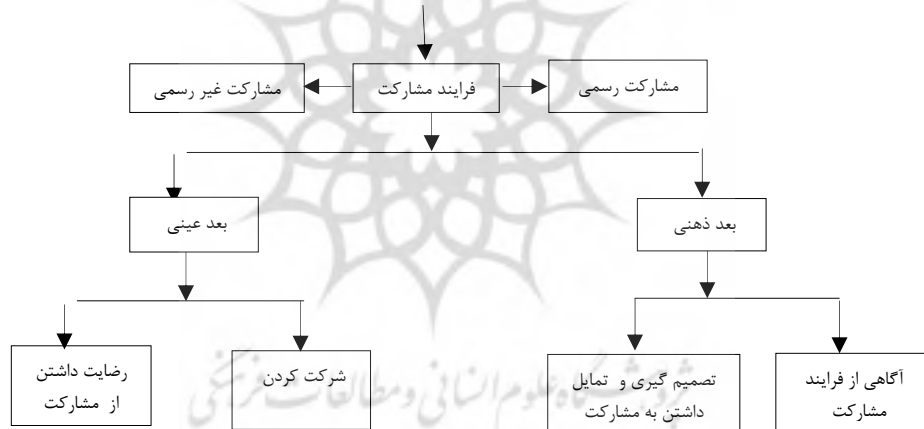
مفهوم مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است (بیرو، ۱۳۷۵: ۲۵۷). اوکلی و مارسدن در تعریفی از مشارکت می‌گویند: مشارکت؛ درگیر شدن ذهنی و عاطفی افراد در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا به هدف‌های گروه یاری دهند و برای رسیدن به آن‌ها احساس مسئولیت کنند. سه عنصر مهم در این تعریف عبارت است از: "درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت" (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۳۳). در ادبیات مرتبط با سرمایه اجتماعی، مفهوم مشارکت به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی مطرح است. مشارکت بر حسب قلمرو اجرایی به انواع مختلفی همچون: مشارکت روانی، مشارکت فرهنگی، مشارکت اقتصادی، مشارکت سیاسی و مشارکت اجتماعی تقسیم می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹، طالب ۱۳۷۵ و غفاری و نیازی ۱۳۸۶).

در این میان، مشارکت اجتماعی حوزه وسیعی از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد؛ حوزه‌ای از فعالیت‌ها که عبارت است از عضویت، همکاری و فعالیت‌های فردی و جمعی افراد جامعه در انجمن‌ها، تشکل‌های دولتی و غیردولتی اعم از انجمن‌های اقتصادی، شغلی، محلی، منطقه‌ای و ملی، شرکت و همکاری در برگزاری مراسم و جلسات مختلف خیریه اعم از مجالس اعیاد ملی-مذهبی و غیره است (بیرو، ۱۳۷۵: ۲۵۸). اشکال مشارکت اجتماعی را می‌توان به دو صورت زیر مورد مطالعه قرار داد: ۱) مشارکت رسمی (نهادی) که در برگیرنده عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در یک زمان و مکان مشخص است و ۲) مشارکت غیررسمی که خود در برگیرنده دو نوع مشارکت اتفاقی و پایدار می‌باشد؛ مشارکت اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم است؛ مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت

۱. منظور وجود انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و افزایش کمی و کیفی آن در جامعه می‌باشد.

کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود. مشارکت پایدار که شامل مشارکت قاعده مند و فعالیت در گروه‌هایی که به صورت موسسه و سازمان نیستند؛ ولی نسبتاً دائمی و همیشگی هستند. ضمناً از لحاظ هدف، نیز دو نوع مشارکت اجتماعی را می‌توان نام برد: ۱- مشارکت ابزاری که شامل فعالیت‌هایی است که خارج از گروه مشارکت کننده هدایت می‌شود. ۲- مشارکت هدفمند که مشارکت اجتماعی به صورت خودکفا، هدفمند و تحت نظارت خود اعضا است (Helly, 2012: 4) به نقل از یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۶). به‌طور کلی در بررسی مفهوم مشارکت اجتماعی، چهار بعد و مولفه به شرح ذیل ضروری است: ۱- آگاهی: مطلع بودن فرد از وظایف و حدود و اختیارات خود در فرایند مشارکت؛ ۲- تصمیم‌گیری: موثر بودن فرد در اتخاذ تصمیم در سازمان‌های مشارکتی؛ ۳- شرکت داشتن: حضور یا همکاری در امور مربوط به سازمان‌های مشارکتی؛ ۴- رضایت داشتن: احساس خوشایندی فرد از فعالیت مشارکتی و بویژه حسن انجام امور (امیرانی، ۱۳۸۰). این چهار شاخص را می‌توان در دو بعد ذهنی (آمادگی روانی) و عینی (عمل مشارکتی) در نظر گرفت و چنین گفت که شاخص آگاهی داشتن و تصمیم‌گیری ابعاد ذهنی مفهوم مشارکت را تشکیل می‌دهند و شاخص‌های شرکت کردن و رضایت داشتن ابعاد عینی مفهوم مشارکت اجتماعی را تشکیل می‌دهند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۹۹). شکل ۱؛ ابعاد و شاخص‌های مشارکت اجتماعی در پژوهش حاضر نشان می‌دهد:

شکل ۱؛ ابعاد و شاخص‌های مشارکت اجتماعی در پژوهش حاضر



چارچوب نظری پژوهش

با توجه به این که تحقیق حاضر به دنبال بررسی و مقایسه مشارکت اجتماعی جوانان در دو جامعه ایران (تهران) و تاجیکستان (دوشنبه) می‌باشد؛ به علت اعتقاد به وجود روابط پیچیده میان پدیده‌های اجتماعی و انسانی به رویکرد نظری واحدی تکیه نخواهد شد. بلکه در تبیین موضوع تحقیق از

رویکردی تلفیقی که پوشش دهنده متغیرهای دو سطح خرد و کلان باشند؛ استفاده خواهد شد تا در نهایت یک مدل تحلیلی - تبیینی از چگونگی تأثیرگذاری عوامل و متغیرهای مختلف بر میزان مشارکت اجتماعی جوانان ارائه شود. در ادامه به هر یک از این تئوری‌ها پرداخته می‌شود:

• شرایط آنومیک و مشارکت اجتماعی

امیل دورکیم^۱ نخستین اندیشمندی است که با مفهوم «آنومی» به تبیین انواع صور نابهنجاری اجتماعی پرداخته است. او در سال ۱۸۷۹ واژه «آنومی» را وارد فرهنگ جامعه‌شناسی کرده است. آنومی در تعریف دورکیم اشاره به نوعی بی‌قاعدگی، اختلال و گسستگی در نظام اجتماعی دارد (کیویتسو ۱۳۸۳، آرون ۱۳۷۷ و کرایب ۱۳۸۲). دورکیم عقیده دارد که حدود خواسته‌های فرد در جامعه تابع هنجارهای خاصی است و از طریق این هنجارها و ضوابط است که فرد می‌تواند تمایلات، خواهش‌ها و خواسته‌های خود را محدود و در حدی معتدل و عملی تنظیم کند. در صورتی که هنجارهای جامعه دچار شکستگی و گسستگی شوند، فرد دیگر قادر نیست رابطه منطقی بین خود و جامعه برقرار کند و در پیروی از قوانین، هدف‌ها و رفتارهای خود را تنظیم کند. در چنین شرایطی است که فرد دیگر ضوابطی برای رفتار خود ندارد و در حالت بی‌هنجاری و نابسامانی به سر می‌برد. دورکیم آنومی را در دو سطح فردی و اجتماعی به کار برده است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۸ و ۱۳۸۳)؛ دورکیم معتقد است انتقال جامعه از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی سبب می‌شود که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تدریجاً ناپدید گشته و در عوض منافع منفرد، متنوع و تفکیک شده فردی همراه با احساس پریشانی و احساس بیگانگی اجتماعی - سیاسی - متظاهر گردد و زمینه بروز مشکلات فردی و اجتماعی از جمله انزوای اجتماعی و پرهیز از فعالیت‌های اجتماعی خاصه مشارکت افراد در سطح یک جامعه فراهم آید.

• احساس نابهنجاری اجتماعی و مشارکت اجتماعی

رابرت مرتن^۲ نیز همچون دورکیم سعی کرد تا با استفاده از مفهوم «آنومی» به تحلیل چگونگی گسستگی و عدم ارتباط بین فرد و ساخت اجتماعی بپردازد (کرایب ۱۳۸۲، توسلی ۱۳۷۴ و کیویتسو ۱۳۸۳). به عقیده مرتن همان گونه که رفتار تطابق‌گرایانه و سازگارانه از ساخت اجتماعی نشأت می‌گیرد؛ رفتار ناسازگارانه و منحرف نیز محصولی از ساخت اجتماعی بویژه ساختار فرهنگی است. مرتن فرهنگ هر جامعه را متشکل از سه جزء می‌داند که عبارتند از: ۱- اهداف فرهنگی^۳،

1. Emile Durkheim

2. Robert Merton

1. Cultural Goals

۲- وسایل و ابزار فرهنگی^۱ و ۳- قواعد و هنجارها که حاکم بر انتخاب اهداف و وسایل حصول به آن اهداف می‌باشند (ریتزر ۱۳۸۴ و توسلی ۱۳۷۴). مرتن استدلال می‌کند که اگر افراد جامعه به‌این اهداف و وسایل حصول به آن گردن نهند مشکلی پیش نخواهد آمد. ولی اگر میان اهداف فرهنگی، وسایل فرهنگی و روابط میان آن‌ها ناهمسازی به‌وجود آید؛ شرایطی به‌وجود می‌آید که «آنومی» نامیده می‌شود. بنابراین از دید مرتن آنومی یا بی‌هنجاری معلول مناسبات مخدوش میان سه جزء اهداف فرهنگی، وسایل فرهنگی و قواعد است (البته مجموعاً نه بطور جداگانه). مرتن بر پایه واکنش‌های گوناگون افراد به اهداف و وسایل فرهنگی پنج نوع آرمانی به‌وجود آورد که به جز نوع اول که هم‌نواگرا نامیده می‌شود، چهار نوع دیگر نابهنجار محسوب می‌شوند. جدول (۱) این پنج نوع آرمانی را نشان می‌دهد:

جدول (۱). حالات مختلف تطابق با توجه به اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده

حالت‌های تطابق و انتخاب	اهداف فرهنگی	وسایل فرهنگی تأیید شده اجتماعی
سازگاری، هم‌نوایی، تطابق	می‌پذیرند (+)	می‌پذیرند (+)
بدعت و نوآوری	می‌پذیرد (+)	نمی‌پذیرند (-)
سنت‌گرایی، شعائرگرایی	نمی‌پذیرند (-)	می‌پذیرند (+)
عقب‌نشینی، انزواگرایی	نمی‌پذیرند (-)	نمی‌پذیرند (-)
طغیان و شورش	نمی‌پذیرد، جانشین می‌شوند (+)	نمی‌پذیرد، جانشین می‌شوند (+)

*منبع کیویتسو، ۱۳۸۳: ۱۵، کرایب ۱۳۸۲ و توسلی ۱۳۷۴

بنابراین بر طبق نظریه مرتن در صورتی که افراد جامعه در گروه اول یعنی سازگاری، هم‌نوایی، تطابق باشند؛ دارای مشارکت اجتماعی بالا و در صورتی که جزء چهار گروه دیگر باشند دارای احساس نابهنجاری اجتماعی و در نتیجه دارای میزان مشارکت اجتماعی پایین در جامعه هستند.

• از خودبیگانگی و مشارکت اجتماعی

از خودبیگانگی تجربه‌ای درونی است که با گسستن فرد از خویشتن همراه است و شخص به ناچار و بر حسب شرایط به اعمال و فعالیت‌هایی می‌پردازد؛ بدون آن که دقیقاً بدان اعتقاد داشته باشد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۱). ملوین سیمن نیز از جمله‌اندیشمندانی بود که سعی داشت از منظر روانشناسی اجتماعی به پدیده بیگانگی بنگرد؛ اما او بیشتر متوجه از خودبیگانگی بود. سیمن طبقه بندی معروفی را در مقاله‌ای تحت عنوان معنای بیگانگی بیان کرد و در آن پنج شاخص را در بیگانه

کردن انسان از خویشتن بر شمرد که هر یک به تنهایی یا در ارتباط با شاخص‌های دیگر در از خود بیگانگی انسانها مؤثرند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۳). پنج شاخصی را که ملوین سیمن در از خود بیگانگی انسانها مؤثر می‌داند، عبارتند از: ۱- احساس بی‌قدرتی،^۱ ۲- احساس بی‌معنایی،^۲ ۳- احساس بی‌هنجاری،^۳ ۴- احساس انزوای اجتماعی،^۴ ۵- از خود بی‌بزاری.^۵ بنابراین فردی که دچار ویژگی‌های احساس بی‌قدرتی و بی‌معنایی باشد؛ احساس از خود بی‌بزاری، تنهایی و انزوای اجتماعی می‌کند و از انجام فعالیت‌های اجتماعی از جمله مشارکت اجتماعی باز می‌ماند.

• محرومیت نسبی و مشارکت اجتماعی

مفهوم محرومیت نسبی را اولین بار در دهه ۱۹۴۰ هری ایکستین^۶ نویسنده کتاب سرباز آمریکایی به کار برد. آن‌ها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده می‌کنند که فاقد منزلت یا شرایطی است که به اعتقاد خودش باید داشته باشد. محرومیت نسبی به‌عنوان برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی‌شان تعریف می‌شود؛ به معنای دقیق‌تر انتظارات فراینده و شکاف میان وضع موجود و وضع مطلوبی که فرد انتظار دارد؛ داشته باشد. سوق دهنده فرد به‌سوی احساس محرومیت نسبی قلمداد می‌گردد (گر، ۱۳۷۷: ۵۴). مبنای نظریه محرومیت نسبی نیز بر مبنای مقایسه است. با توجه به توضیحات بالا وجود دو عنصر اساسی در "احساس محرومیت نسبی" دیده می‌شود: یکی جنبه ذهنی، شناختی و ادراکی آن و دیگری جنبه عینی و مبتنی بر قیاسی بودن آن می‌باشد (برکویتز، ۱۹۹۳: ۳۳۸ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳). نظریه محرومیت نسبی بیان می‌کند که افراد دارای محرومیت نسبی از جمع و نظام اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی خاصه مشارکت اجتماعی دوری می‌جویند.

• عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری و مشارکت اجتماعی

جامعه‌پذیری فرایندی است که در جریان آن فرد به‌عضو فعال و کامل اجتماع خود مبدل می‌شود و از طریق آن یاد می‌گیرد که خودش را به‌عنوان موجودی مستقل و جدا از دیگران بشناسد (ستوده، ۱۳۷۳: ۸۷ و فرسار، ۱۳۷۷: ۳۳ و شهسواری، ۱۳۸۴). هورتون وهانت^۷ معتقدند، جامعه‌پذیری

1. powerlessness
2. Meaninglessness
3. Normlessness
4. Social isolation
5. Self - estrangement
6. Harry Eckstein
7. Horton&Hunt

فرایندی است که از طریق آن افراد هنجارها و ارزش‌های گروه خود را درونی می‌کنند و تبدیل به یک شخص منحصر به فرد می‌شوند (به نقل از شهسواری، ۱۳۸۴). عمل جامعه‌پذیری توسط مکانیسم‌های نهاد خانواده، رسانه، آموزش و گروه همالان صورت می‌گیرد. اگر مکانیسم‌های جامعه‌پذیری احساس مسئولیت کرده، به‌نحو مؤثری در تربیت، آموزش، آگاهی و حمایت نوجوانان و جوانان در جهت ترغیب و انجام فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متناسب با ارزش‌های جامعه تلاش کنند موجب فراهم شدن شخصیتی مشارکت‌جو در آنها می‌شوند.

• اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی

در تعاملات اجتماعی، اعتماد با کارکردهای متعدد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود نقش مهمی را ایفا می‌کند. مفاهیم مربوط به اعتماد در طی دهه گذشته در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان همچون سلیگمن (۱۹۹۷)، رابرت پوتنام (۱۹۹۳)، فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۶) و... بوده است (تونکس، ۱۳۸۷: ۲۲).

آنتونی گیدنز، اعتماد را انتظار برآورده شدن چشم‌داشت‌ها در مورد رویدادهای احتمالی می‌داند. به اعتقاد وی اعتماد را می‌توان اطمینان و ایمان به قابلیت یک شخص یا سیستم و پایبندی آن‌ها به اصول اخلاقی، اصول انتزاعی و مجرد (مثل دانش فنی) در نظر گرفت. آنتونی گیدنز یک نظریه جامع‌تری در مورد اعتماد اجتماعی نسبت به سایر نظریه پردازان دیگرارایه می‌کند. وی انواع اعتماد (بنیادی، متقابل، انتزاعی) را مورد بررسی قرار می‌دهد و با استفاده از نظریه ساختاربنندی خود اعتماد را در دو سطح خرد و کلان تحلیل می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷) گیدنز به دلیل توجه به وجوه اصلی مدرنیته، موضوع ریسک و مخاطره را با انواع اعتماد در رابطه قرار می‌دهد. لیکن اعتماد در دوران ماقبل مدرن را نیز مورد کنکاش خود قرار می‌دهد. وی با وارد کردن بحث اعتماد بنیادی که در واقع یک بحث روان‌شناسی و مربوط به اریکسون می‌باشد به‌کار خود غنای بیشتری می‌بخشد. به نظر وی اعتماد بنیادی اضطراب را کاهش داده و نوعی احساس تداوم و نظم در رویدادها یا امنیت وجودی در فرد به وجود می‌آورد. به اعتقاد گیدنز در اعتماد متقابل، صمیمیت وجود دارد و بر اساس تداوم و تحت تأثیر نیروی محبت و احساسات عاطفی شکل می‌گیرد. علاوه بر این، گیدنز اعتماد را جزء لاینفک زندگی اجتماعی در نظر گرفته و خصلت از جاکنندگی نظام‌های انتزاعی را به معنای تداوم کنش متقابل با دیگران غایب می‌داند و ماهیت نهادهای مدرن وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی است. بنابر رویکرد نظری آنتونی گیدنز، اگر در جامعه اعتماد در هر سه شکل بنیادی، متقابل، انتزاعی (نهادی) وجود داشته باشد، شاهد وجود و افزایش مشارکت اجتماعی در جامعه خواهیم بود.

• نوع تعاملات اجتماعی و مشارکت اجتماعی

چلبی (۱۳۷۵) بر مبنای تئوری نظام شخصیت و نیز نظام اجتماعی پارسونز درصدد بررسی تعاملات اجتماعی برآمد. وی بیان می‌دارد که از نظر تحلیلی، تعامل دارای دو وجه عمده «ابزاری» و «اظهاری» است. وجه ابزاری، تعامل برای کنشگر جنبه کاملاً ابزاری دارد. نوع عالی چنین تعاملی نوعی مبادله سرد است. اشکال این نوع از تعامل را می‌توان فردگرا، حسابگرانه و خودخواهانه دانست (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۶). در بعد اظهاری تعامل هدف است نه وسیله، از طریق تعامل اظهاری است که ما یا گروه اجتماعی شکل می‌گیرد. به‌طور کلی چلبی تعاملات از نوع اظهاری را یکی از ابعاد بنیادین ساخت اجتماعی می‌داند که در عرصه نظم بخشیدن به جامعه و یا هر نوع سازمان اجتماعی و گسترش همکاری اجتماعی و تقویت هنجارهای مشارکت جویانه مردم بسیار مؤثر است (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴۷). با عنایت به طبقه‌بندی فوق؛ چلبی چهار نوع تعامل را بر اساس چارچوب نظام اجتماعی پارسونز از هم تمیز می‌دهد که عبارتند از: تعامل مبادله‌ای که در آن کالا و خدمات تبادل می‌شوند. تعامل مبتنی بر قدرت که در آن دستورات تبادل می‌شود؛ تعامل گفتمانی که در آن اطلاعات، خواسته‌ها، انتظارات و اندیشه‌ها جهت رسیدن به تفاهم مشترک تبادل می‌شوند؛ نهایتاً تعامل عاطفی که در آن تعهد و عاطفه مبادله می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴۷). بنابراین اگر افراد جامعه و بالخصوص جوانان دارای نظام شخصیتی رشد یافته باشند، در این‌صورت به سایر افراد جامعه خود اعتماد کرده و سعی در برقراری کنش عاطفی، مبادله‌ای و نیز گفتمانی با آن‌ها می‌کنند، در نتیجه بین آن‌ها تعاملات و روابط اظهاری به‌وجود می‌آید که این امر به نوبه خود بر انجام مشارکت و کار گروهی آن‌ها نسبت به یکدیگر تأثیر می‌گذارد.

• نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی

تالکوت پارسونز کنش اجتماعی را رفتار معنادار انسان می‌داند که دارای انگیزه‌های بیرونی (یا محیطی) است (روشه، ۱۳۷۶: ۵۶). از دید او کنش‌های اجتماعی افراد در جامعه تابعی از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه می‌باشند (ریترز، ۱۳۸۴). این ارزش‌ها بسیار متنوعند، لیکن پارسونز آن‌ها را به چند نوع اساسی که الگوهای تحلیلی وی را تشکیل می‌دهند طبقه‌بندی نموده و مفهوم متغیرهای الگویی را خلق می‌کند (توسلی، ۱۳۷۴: ۲۴۳ و موسوی و پیران، ۱۳۹۱: ۱۵۵). به نظر پارسونز، متغیرهای الگویی، واقعیت‌هایی هستند که جنبه عمومی و اجتماعی دارند و بیانگر تاثیر ویژگی‌های ساختی (فرهنگی و اجتماعی) هر نظام اجتماعی بر کنش افراد هستند. در واقع متغیرهای الگویی، جهت‌گیری ارزشی در نقشی است که از فرد انتظار می‌رود در هر نظام اجتماعی ایفاء کند (ازکیا، ۱۳۷۹: ۹۵ و موسوی و پیران، ۱۳۹۱: ۱۵۶). پارسونز بر این باور است که جهت‌گیری‌های دوگانه ارزشی در عین تناقض با یکدیگر در ترکیبات مختلف، بیانگر ماهیت روابط

میان نقش‌ها در هر جامعه هستند که در نهایت ساخت هر جامعه را مشخص می‌کنند. وی متغیرهای الگویی را در قالب موارد زیر مطرح می‌کند: ۱- عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی، ۲- ماهیت در برابر دستاورد، ۳- اشاعه در برابر ویژگی، ۴- کنش عاطفی در برابر کنش غیرعاطفی و ۵- فعال‌گرایی در برابر انفعال‌گرایی (توسلی، ۱۳۷۴ و موسوی و پیران، ۱۳۹۱: ۱۵۹-۱۵۸). بنابراین با توجه به شقوق متغیرهای الگویی پارسونز می‌توان چنین استنباط کرد که بسط عام‌گرایی (توجه به منافع جمعی)، بسط کنش غیرعاطفی (خردگرا بودن)، اشاعه‌گرا بودن (برخوردی جامع و همه‌جانبه داشتن)، توجه به ماهیت امور و پدیده‌ها (و یا توجه به اهمیت ذاتی امور) و فعال‌گرا بودن موجب افزایش مشارکت اجتماعی افراد در جامعه می‌گردد.

• تغییرات فرهنگی و مشارکت اجتماعی

در واپسین دهه‌های پایان قرن بیستم رونالد اینگلهارت در دو کتاب خود تحت عنوان انقلاب آرام (۱۹۷۷) و تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی (۱۹۹۴) با استفاده از مفهوم دگرگونی ارزشی، پدیده تغییرات فرهنگی و شکاف بین نسل‌ها را در ممالک پیشرفته غربی مورد بررسی تجربی قرار داد. اینگلهارت (۱۳۷۳) دو فرض محوری را مبنای کار خود قرار می‌دهد: ۱- فرضیه کمیابی که ناظر بر این امر است که اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی است و شخص بیشترین ارزش‌ها را برای آن چیزهایی قائل می‌شود که عرضه آن‌ها نسبتاً کم باشد. ۲- فرضیه اجتماعی‌شدن، که اصل را بر این قرار می‌دهد که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده بازتاب شرایطی است که در طول سال‌های قبل از بلوغ وی وجود داشته است. به نظر وی در حالیکه فرضیه کمیابی دلالت بر این دارد که رونق و شکوفایی اقتصادی به گسترش ارزش‌های فرامادی‌گرایانه می‌انجامد، فرضیه اجتماعی‌شدن مبین این امر است که ارزش‌های فردی و ارزش‌های اجتماعی یک شبه تغییر نمی‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۶). از نظر اینگلهارت، یکی از مؤلفه‌های اصلی دگرگونی ارزشی، جایگزینی نسلی است به بیان دقیق‌تر هر گروه سنی بنا به مقتضیات روان‌شناختی آن دوره سنی، ارزش‌های خاصی را پذیرا می‌باشند و افراد با وارد شدن به آن دوره سنی، واجد آن ارزش‌ها می‌شوند. به‌عنوان نمونه نسلی که بعد از جنگ جهانی دوم، دوران بلوغ خود را می‌گذرانند، در اثر توسعه و تحولات اقتصادی، دورانی از ثبات اقتصادی و وفور کالاهای مادی را تجربه نموده‌اند و لذا ارزش‌های غیرمادی برای آن‌ها اولویت بیشتری پیدا کرده است تا ارزش‌های مادی (همان، ص ۱۱۵). وی معتقد است که خیزش سطوح توسعه اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش، اشاعه رسانه‌های جمعی و برخاستن دولت رفاه منجر به تغییر در مهم‌ترین ارزش‌ها می‌شود (خالقی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۰۴). لذا اینگلهارت کامیابی اجتماعی - اقتصادی افزایش یافته را علت اصلی تغییر ارزش‌ها می‌داند و در این باره می‌گوید: کامیابی اقتصادی افزایش یافته منجر به برآورده شدن بهتر نیازهای بنیانی در سال‌های

شکل‌گیری شخصیت افراد می‌شود. بر اساس یافته‌های اینگلههارت، اعتماد افراد نسبت به یکدیگر همانند احساس رضایت خانوادگی و نیز احساس خوشبختی با سطوح بالایی از توسعه اقتصادی متناسب و همراه است. از نظر اینگلههارت پایین بودن سطوح رضایت و اعتماد موجب می‌شود که شخص به احتمال زیاد نظام سیاسی و نظم اجتماعی موجود را نپذیرد و در نتیجه رغبت و تمایل کمتری را در جهت مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و همکاری‌های اجتماعی و سیاسی از جمله مشارکت اجتماعی که در زمره ارزش‌های فرامادی می‌باشند از خود نشان دهد.

• جمع بندی چارچوب نظری

با توجه به چارچوب نظری تلفیقی خرد و کلان در راستای تبیین نظری مشارکت اجتماعی جوانان می‌توان چنین استنباط کرد که:

از یک سو؛ وجود شرایط آنومیک و بی‌نظمی اجتماعی به‌واسطه گذار دو جامعه از حالت سنت به وضعیت مدرن، ناهمسازی میان اهداف، ابزار فرهنگی و قواعد حاکم بر آن‌ها، انتظارات فزاینده ارزشی و شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب به‌واسطه وجود فشارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجبات احساس بی‌هنجاری اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی- سیاسی، احساس محرومیت نسبی و احساس ازخودبیگانگی را فراهم آورده و در نتیجه افراد جامعه خاصه جوانان از انجام فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بویژه مشارکت اجتماعی باز می‌مانند. از سوی دیگر؛ کارکرد مناسب ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه در تولید ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی همسو با نظام اجتماعی و درونی شدن آن به‌واسطه عملکرد مناسب مکانیسم‌های جامعه‌پذیری خاصه نهاد آموزش و رسانه در جامعه موجب شکل‌گیری شخصیت رشد یافته و تقویت تعاملات اظهاری و جهت‌گیری عام در کنش‌های اجتماعی توأم با اعتماد تعمیم یافته و نهادی در جوانان خواهد شد. در نتیجه گرایش و رغبت افراد جامعه خاصه جوانان به انجام فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به‌ویژه مشارکت اجتماعی افزایش خواهد می‌یابد.

• فرضیه‌های تحقیق

الف- فرضیه‌های کلی تحقیق:

- ۱- بین توسعه مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۲- بین عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد.

ب- فرضیه‌های جزئی تحقیق:

- ۱- بین اعتماد اجتماعی جوانان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۱-۱- بین اعتماد بین شخصی جوانان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۱-۲- بین اعتماد نهادی جوانان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۲- بین نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی جوانان در جامعه و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۳- بین نوع تعاملات اجتماعی جوانان در جامعه و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه وجود دارد.
- ۳-۱- بین تعاملات اظهاری جوانان در جامعه و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۳-۲- بین تعاملات ابزاری جوانان در جامعه و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه معکوس وجود دارد.
- ۴- بین احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه معکوس وجود دارد.
- ۵- بین بیگانگی اجتماعی- سیاسی جوانان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه معکوس وجود دارد.
- ۶- بین احساس محرومیت نسبی جوانان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه معکوس وجود دارد.
- ۷- بین عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری و میزان مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۸- بین توجه به نوع ارزش‌های اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۸-۱- بین توجه به ارزش‌های اجتماعی مادی و میزان مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه معکوس وجود دارد.
- ۸-۲- بین توجه به ارزش‌های اجتماعی فرامادی و میزان مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه مستقیم وجود دارد.

۹- بین احساس خودبیگانگی جوانان و میزان مشارکت اجتماعی آنان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه معکوس وجود دارد.

۱۰- بین عوامل فردی- اجتماعی (پایگاه اقتصادی- اجتماعی، میزان تحصیلات، جنس، سن، وضعیت شغلی و وضعیت تأهل) و میزان مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

الف- متغیر وابسته تحقیق:

مشارکت اجتماعی: تعریف مفهومی: «مشارکت اجتماعی، سطوح فعالیت از عضویت ساده در انجمن‌ها (محلی، خیریه، شغلی و فعالیت در این سازمان‌ها) تا فعالیت‌هایی از قبیل ملاقات با مقامات عالی مملکتی (نمایندگان مجلس، وزراء و ...) یا نگارش نامه و گزارش برای آن‌ها به منظور طرح مشکلات و درخواست اصلاح و تغییر سیاست‌ها را در بر می‌گیرد» (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۵).
تعریف عملیاتی: مشارکت اجتماعی جوانان، با دو بعد و چهار شاخص مشخص و سنجیده می‌شود. به بیان دیگر می‌توان این چهار شاخص را در دو بعد ذهنی (آمادگی روانی) و عینی (عمل مشارکتی) در نظر گرفت و چنین گفت که شاخص آگاهی داشتن و تصمیم‌گیری ابعاد ذهنی مفهوم مشارکت اجتماعی را تشکیل می‌دهند و شاخص‌های شرکت کردن و رضایت داشتن ابعاد عینی مفهوم مشارکت اجتماعی را می‌سازند.

ب- متغیرهای مستقل تحقیق:

۱- **اعتماد اجتماعی:** تعریف مفهومی: اعتماد اجتماعی، دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۹۹). **تعریف عملیاتی:** اعتماد اجتماعی با ابعاد زیر مشخص و سنجیده می‌شود: الف - اعتماد بین شخصی: اعتماد بین شخصی شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد، اعتماد بین شخصی حوزه‌ای از تعاملات میان خویشاوندان، دوستان، همکاران شروع و تا دیگران غریبه گسترش پیدا می‌کند. ب- اعتماد نهادی: به اطمینانی اطلاق می‌گردد که فرد نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارد.

۲- **عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری:** تعریف مفهومی: فرایند جامعه‌پذیری؛ فرایند کنش متقابل اجتماعی که فرد در طول آن، شیوه‌های معمول زندگی در جامعه خود را درونی می‌سازد و

کسب شخصیت می‌کند (کوئن، ۱۳۸۱: ۱۲۷). تعریف عملیاتی: عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری با چهار بعد، عملکرد نهاد خانواده، نهاد آموزش، نهاد رسانه و گروه همسالان مشخص و سنجیده می‌شود.

۳- نوع کنش‌های اجتماعی: تعریف مفهومی: تالکوت پارسونز کنش اجتماعی را رفتار معنادار انسان می‌داند که دارای انگیزه‌های بیرونی (یا محیطی) است. پارسونز در تئوری کنش خود، جهت‌گیری ارزشی کنشگر را تحت عنوان متغیرهای الگویی (انگاره‌ای) مطرح می‌کند که در واقع شرایط ساختی کنش اجتماعی افراد محسوب می‌شوند. این متغیرهای الگویی جهت‌گیری ارزشی کنش اجتماعی افراد را مشخص می‌کنند (ریترز، ۱۳۸۴ و توسلی، ۱۳۷۴). تعریف عملیاتی: در این پژوهش نوع کنش اجتماعی جوانان با یکی از ابعاد دوگانه متغیرهای الگویی یعنی عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی مشخص و سنجیده می‌شود؛ به این معنی که افراد در رویارویی با پدیده‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خاص‌گرا و متمرکز عمل می‌کنند و یا دارای جهت‌گیری عام‌هستند و منافع عمومی را نیز در نظر می‌گیرند.

۴- احساس محرومیت نسبی: تعریف مفهومی: محرومیت نسبی (گر، ۱۳۷۷) به‌عنوان برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی‌شان تعریف می‌شود. انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی هستند که مردم خود را مستحق آن‌ها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی، کالاها و شرایطی هستند که آن‌ها فکر می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آن را دارند. تعریف عملیاتی: احساس محرومیت نسبی جوانان با ابعاد سه‌گانه فوق سنجیده می‌شود: الف- ارزش‌های رفاهی: ارزش‌هایی هستند که مستقیماً با رفاه مادی و تحقق نفس در ارتباطند از جمله کالاهای مادی زندگی، ب- ارزش‌های بین‌الاشخاصی: عبارتند از رضایت‌های روانی که ما در تعامل غیراقتدار آمیز با دیگر افراد و گروه‌ها در صدد کسب آن‌ها هستیم. ج- ارزش‌های مربوط به قدرت: ارزش‌هایی هستند که میزان توان انسان‌ها در نفوذ بر کنش‌های دیگران و اجتناب از دخالت ناخواسته دیگران در کنش‌های خود را تعیین می‌کنند.

۵- احساس از خود بیگانگی: تعریف مفهومی: از خود بیگانگی تجربه‌ای درونی است که با گسستن فرد از خویشتن همراه است، بیگانگی فرد با خویشتن بدان جهت است که بر حسب مقتضیاتی ناچار به قبول نقش می‌شود و حتی بدون آن که دقیقاً بدان اعتقاد داشته باشد به اعمال آن می‌پردازد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۱ و گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۱۷۱). تعریف عملیاتی: در این پژوهش برای سنجش احساس از خود بیگانگی از مقیاس پنج‌بعدی ملوین سیمن که عبارتند از: ۱- احساس بی‌قدرتی، ۲- احساس بی‌معنایی، ۳- احساس بی‌هنجاری، ۴- احساس انزوای اجتماعی و ۵- احساس خود بی‌زاری استفاده می‌شود.

۶- نوع تعاملات اجتماعی: تعریف مفهومی: تعامل به معنی «با یکدیگر داد و ستد کردن» آمده است. در دایره المعارف علوم اجتماعی تعامل به معنی «عمل متقابل دو یا چند موجود زنده با

یکدیگر» آمده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۳۶۴). در پژوهش حاضر تعامل به معنای عمل متقابل جوانان نسبت به یکدیگر و نیز نسبت به سایر افراد در جامعه می‌باشد. تعریف عملیاتی: نوع تعاملات اجتماعی جوانان در دو بعد، تعاملات اظهاری (شامل ابعاد تعامل گفتمانی، تعامل عاطفی و تعامل مبادله‌ای) و تعاملات ابزاری (شامل ابعاد تعامل مبتنی بر قدرت) مشخص و سنجیده می‌شود.

۷- بیگانگی اجتماعی - سیاسی: تعریف مفهومی: بیگانگی اجتماعی؛ نوعی احساس انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان فرد و جامعه (نهاده‌ها و ساختارهای اجتماعی نظیر خانواده، مذهب و ...) است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۲). بیگانگی سیاسی که در مقابل نظام سیاسی مطرح می‌شود، نوعی تصور و طرز تلقی است که از انتظار عدم تأثیرگذاری و تعیین کنندگی رفتار فرد در نتایج یا دست‌کاری در واقعیت ناشی می‌شود (محمدی، ۱۳۷۵: ۲۷). تعریف عملیاتی: بیگانگی سیاسی - اجتماعی جوانان با توجه به مقیاس اسرول و لوئیس هریس با ابعاد: ۱- میل به بد بینی؛ ۲- میل به بی اعتمادی؛ ۳- احساس انزوا و تنهایی و ۴- احساس پوچ‌گرایی مشخص و سنجیده می‌شود.

۸- احساس بی‌هنجاری اجتماعی: تعریف مفهومی: منظور احساسی است که در قالب آن افراد تصور می‌کنند با ابزار و وسایل موجود در جامعه نمی‌توانند به اهداف شان دست یابند و قوانین موجود در جامعه جوابگوی نیازهای آنها نیست و لذا فرد برای رسیدن به اهداف خود معیارهای سیاسی - اجتماعی را نادیده می‌گیرد. تعریف عملیاتی: احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان با ابعاد زیر مشخص و سنجیده می‌شود: ۱- حاکم شدن روابط به جای ضوابط؛ ۲- متوسل شدن به راه‌های نامشروع برای رسیدن به اهداف؛ ۳- عدم رعایت قوانین و مقررات از سوی افراد در جامعه.

۹- نوع ارزش‌های اجتماعی: تعریف مفهومی: در اصطلاح جامعه‌شناسی ارزش‌های اجتماعی واقعیت‌ها و اموری را تشکیل می‌دهند که مطلوبیت دارند و مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه می‌باشند (وشوقی، ۱۳۸۱: ۱۹۲). تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر ارزش‌های اجتماعی براساس تئوری تغییرات فرهنگی و دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت به دو دسته ارزش‌های مادی و ارزش‌های فرامادی به شرح ذیل مشخص و سنجیده می‌شود: ۱- ارزش‌های مادی: اینگلهارت ارزش‌های ذیل را جزء ارزش‌های مادی در نظر می‌آورد: " مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها، حفظ آهنگ سریع رشد اقتصادی، حفظ اقتصاد با ثبات، حفظ نظم کشور، مبارزه با تبهکاری و اطمینان از قدرت نیروی دفاعی کشور ". ۲- ارزش‌های فرامادی: اینگلهارت ارزش‌های ذیل را جزء ارزش‌های فرامادی در نظر می‌آورد: " دفاع از آزادی بیان، اعطای حق بیشتر مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت، اعطای حق بیشتر مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماعشان، کوشش در جهت زیباتر سازی شهرها، حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه تر و انسانی تر و حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش اندیشه‌ها در آن بیش از پول و مادیات می‌باشد ".

نوع روش تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها

پژوهش حاضر به لحاظ نوع و ماهیت تحقیق در زمره تحقیقات توصیفی-تبیینی و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها، جزء تحقیقات کمی از نوع مطالعات پیمایشی محسوب می‌شود. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. جدول (۲): پایایی (روایی) شاخص‌ها و گویه‌های متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد:

جدول (۲): پایایی (روایی) متغیرهای تحقیق

روایی (مقدار آلفا)		شاخص	ابعاد	متغیر	نوع متغیر
آلفای کل	آلفای ابعاد				
۰/۷۹	۰/۷۰	آگاهی	بعد ذهنی	مشارکت اجتماعی	وابسته
	۰/۸۰	تصمیم‌گیری			
	۰/۷۸	شرکت داشتن	بعد عینی		
	۰/۷۱	رضایت داشتن			
۰/۸۰	۰/۷۰	صداقت و راست‌گویی	اعتماد بین شخصی	اعتماد اجتماعی	مستقل
		ضمانت کردن			
		اطمینان و باور کردن			
	۰/۷۴	ریسک کردن	اعتماد نهادی و انتزاعی		
		اعتماد نهادی			
		اعتماد انتزاعی			
۰/۷۲	۰/۶۹	تعاملات گفتگومانی	تعاملات اظهاری	نوع روابط و تعاملات اجتماعی	
		تعاملات عاطفی			
		تعاملات مبادله‌ای			
	۰/۷۴	تعاملات مبتنی بر قدرت	تعاملات ابزاری		
۰/۷۰		عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی	نوع کنش‌های اجتماعی		
		اشاعه در برابر ویژگی			
		ماهیت در برابر دستاورد			
		کنش عاطفی در برابر کنش غیرعاطفی (عقلانی)			
۰/۸۸	۰/۸۰	توجه به ارزش‌های اجتماعی مادی	نوع ارزش‌های اجتماعی		
	۰/۸۲	توجه به ارزش‌های اجتماعی غیرمادی			

ادامه جدول (۲): پایایی (روایی) متغیرهای تحقیق

متغیر	ابعاد	شاخص	روایی (مقدار آلفا)	
			آلفای ابعاد	آلفای کل
عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری	نهاد خانواده		-	۰/۷۱
	نهاد آموزش			
	نهاد رسانه			
	گروه همسالان			
بیگانگی اجتماعی - سیاسی	میل به بد بینی		-	۰/۷۴
	میل به بی اعتمادی			
	احساس انزوا و تنهایی			
	احساس پوچ‌گرایی			
احساس بی‌هنجاری اجتماعی	حاکم شدن روابط بر ضوابط		-	۰/۷۳
	توسل به راه‌های نامشروع برای رسیدن به هدف			
	عدم رعایت قوانین			
احساس از خودبیگانگی	احساس بی‌معنایی		-	۰/۷۱
	احساس بی‌قدرتی			
	احساس بی‌هنجاری			
	انزوای اجتماعی			
	ازخودبیزاری			
احساس محرومیت نسبی	محرومیت در بعد ارزش‌های مادی		۰/۷۴	۰/۷۲
	محرومیت در بعد ارزش‌های غیر مادی		۰/۶۸	

همان‌طور که در جدول (۲): ملاحظه می‌شود؛ متغیرها و شاخص‌های تحقیق از اعتبار و روایی لازم برخوردار هستند.

جمعیت آماری: جمعیت آماری در این پژوهش در برگزیده کلیه جوانان ۲۹-۲۰ ساله‌ای است که در زمان پژوهش (۹۱-۱۳۸۹) ساکن دو شهر تهران (ایران) و دوشنبه (تاجیکستان) هستند. براساس گزارش مرکز آمار دو کشور، شهر تهران دارای ۱/۹۰۶/۶۰۸ نفر جمعیت واقع در سن ۲۹- ۲۰ بوده که از این تعداد، حدود ۹۶۹/۹۴۰ نفر مرد و حدود ۹۳۶/۶۸۸ نفر زن می‌باشند. همچنین شهر دوشنبه دارای ۱/۴۷۲/۱۰۰ نفر جمعیت واقع در سن ۲۹- ۲۰ بوده که از این تعداد، حدود ۷۴۰/۸۰۰ نفر مرد و حدود ۷۳۱/۳۰۰ نفر زن می‌باشند.

تعیین حجم نمونه: برای تعیین حجم نمونه با در اختیار داشتن جمعیت آماری از قاعده نمونه‌گیری کوکران - شارپ استفاده می‌شود. براین اساس با سطح خطای ۰/۰۵ ضریب اطمینان ۹۵

درصد، حجم نمونه تحقیق در شهر تهران ۳۸۴ نفر خواهد بود. که از این تعداد، ۹۵ نفر را مردان و ۱۸۹ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین با سطح خطا و ضریب اطمینان مشابه، حجم نمونه تحقیق در شهر دوشنبه ۳۸۴ نفر خواهد بود. که از این تعداد، ۱۹۳ نفر را مردان و ۱۹۱ نفر را زنان تشکیل می‌دهند.

روش نمونه‌گیری: شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق احتمالی (یعنی احتمال برابر حضور کلیه افراد جامعه آماری در فرایند نمونه‌گیری) و از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

تحلیل توصیفی داده‌ها (تحلیل تک متغیره)

۱- **متغیر وابسته تحقیق:** جدول ۳: توزیع فراوانی متغیر وابسته تحقیق و ابعاد آن را براساس جمعیت آماری نشان می‌دهد:

جدول ۳: توزیع فراوانی متغیر وابسته تحقیق و ابعاد آن براساس جمعیت آماری کل

مشاهدات معتبر	بالا	متوسط	پایین	متغیر	
۷۶۸	۷۷	۵۳۴	۱۵۷	فراوانی	مشارکت اجتماعی
۱۰۰/۰	۱۰/۱	۶۹/۵	۲۰/۴	درصد معتبر	
۷۶۸	۶۰	۶۹۸	۱۰	فراوانی	بعد آگاهی
۱۰۰/۰	۷/۸	۹۰/۹	۱/۳	درصد معتبر	
۷۶۸	۷۱	۶۰۳	۹۴	فراوانی	بعد تصمیم‌گیری
۱۰۰/۰	۹/۲	۷۸/۵	۱۲/۲	درصد معتبر	
۷۶۸	۱۰۳	۴۹۷	۱۶۸	فراوانی	بعد شرکت کردن
۱۰۰/۰	۱۳/۴	۶۴/۷	۲۱/۹	درصد معتبر	
۷۶۸	۶۷	۵۲۳	۱۷۸	فراوانی	بعد رضایت داشتن
۱۰۰/۰	۸/۷	۶۸/۱	۲۳/۲	درصد معتبر	

۱- متغیرهای مستقل تحقیق

جدول (۴) توزیع فراوانی متغیرهای مستقل تحقیق را براساس جمعیت آماری کل نشان می‌دهد:

جدول (۴): توزیع فراوانی متغیرهای مستقل تحقیق براساس جمعیت آماری کل

مشاهدات معتبر	بالا	متوسط	پایین	متغیر	
۷۴۱	۲۵	۶۶۶	۵۰	فراوانی	اعتماد اجتماعی
۱۰۰/۰	۳/۴	۸۹/۹	۶/۷	درصد معتبر	
۷۶۸	۳۵	۶۶۶	۶۷	فراوانی	اعتماد بین شخصی
۱۰۰/۰	۴/۶	۸۶/۷	۸/۷	درصد معتبر	

۷۴۱	۷۰	۶۰۷	۶۴	فراوانی	اعتماد نهادی
۱۰۰/۰	۹/۴	۸۱/۹	۸/۶	درصد معتبر	
۷۶۸	۱۹۸	۵۵۲	۱۸	فراوانی	نوع تعاملات اجتماعی ^۱
۱۰۰/۰	۲۵/۸	۷۱/۹	۲/۳	درصد معتبر	
۷۶۸	۹۲	۶۵۰	۲۶	فراوانی	تعاملات اجتماعی اظهاری
۱۰۰/۰	۱۲/۰	۸۴/۶	۳/۴	درصد معتبر	
۷۶۸	۲۰۶	۴۸۸	۷۴	فراوانی	تعاملات اجتماعی ابزاری
۱۰۰/۰	۲۶/۸	۶۳/۵	۹/۶	درصد معتبر	
۷۶۸	۱۲	۶۱۷	۱۳۹	فراوانی	نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی ^۲
۱۰۰/۰	۱/۶	۸۰/۳	۱۸/۱	درصد معتبر	
۷۶۸	۲۶	۵۹۷	۱۴۵	فراوانی	نوع ارزش‌های اجتماعی ^۳
۱۰۰/۰	۳/۴	۷۷/۷	۱۸/۹	درصد معتبر	
۷۶۸	۲۶	۶۲۲	۱۲۰	فراوانی	توجه به ارزش‌های اجتماعی مادی
۱۰۰/۰	۳/۴	۸۱/۰	۱۵/۶	درصد معتبر	
۷۶۸	۴۲	۴۹۲	۲۳۴	فراوانی	توجه به ارزش‌های اجتماعی فرا مادی
۱۰۰/۰	۵/۵	۶۴/۱	۳۰/۵	درصد معتبر	
۷۶۸	۸۹	۶۳۹	۴۰	فراوانی	عملکرد مکانیسم جامعه‌پذیری
۱۰۰/۰	۱۱/۶	۸۳/۲	۵/۲	درصد معتبر	
۷۶۸	۲۳۵	۵۲۴	۹	فراوانی	بیگانگی اجتماعی - سیاسی
۱۰۰/۰	۳۰/۶	۶۸/۲	۱/۲	درصد معتبر	
۷۶۸	۹۶	۶۴۷	۲۵	فراوانی	احساس نابهنجاری اجتماعی
۱۰۰/۰	۱۲/۵	۸۴/۲	۳/۳	درصد معتبر	
۷۶۸	۶۷	۶۲۳	۷۸	فراوانی	احساس از خود بیگانگی
۱۰۰/۰	۸/۷	۸۱/۱	۱۰/۲	درصد معتبر	
۷۶۸	۱۷	۶۸۷	۶۴	فراوانی	احساس محرومیت نسبی
۱۰۰/۰	۲/۲	۸۹/۵	۸/۳	درصد معتبر	

- در رابطه با متغیر نوع تعاملات اجتماعی: طبقه پایین بیانگر تعاملات اجتماعی ابزاری، طبقه متوسط بیانگر تعاملات اجتماعی بینابین (ترکیبی از تعاملات اجتماعی ابزاری و اظهاری)، طبقه بالا بیانگر تعاملات اجتماعی اظهاری است.
- در رابطه با متغیر نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی: طبقه پایین بیانگر خاص‌گرا بودن، طبقه متوسط بیانگر کنش اجتماعی بینابین (ترکیبی از کنش اجتماعی خاص‌گرایی و عام‌گرایی)، طبقه بالا بیانگر عام‌گرا بودن است.
- در رابطه با متغیر نوع ارزش‌های اجتماعی: طبقه پایین بیانگر توجه به ارزش‌های اجتماعی مادی، طبقه متوسط بیانگر ارزش‌های اجتماعی بینابین (ترکیبی از ارزش‌های اجتماعی مادی و فرا مادی)، طبقه بالا بیانگر توجه به ارزش‌های اجتماعی فرا مادی است.

تحلیل استنباطی داده‌ها:

تحلیل مقایسه‌ها و آزمون فرضیه‌های کلی تحقیق

در مرحله اول از تحلیل استنباطی داده‌ها با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای به دو فرضیه کلی پژوهش به شرح زیر پاسخ داده می‌شود:

فرضیه کلی یکم تحقیق: بین توسعه مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول (۵) آزمون t مستقل برای مقایسه تفاوت میانگین‌های اختلافی متغیر وابسته تحقیق در دو جمعیت آماری

متغیر	جمعیت آماری	فراوانی	میانگین	میانگین تفاوت	تفاوت‌ها خطای معیار	نسبت T	df	معناداری آزمون T
مشارکت اجتماعی	ایران	۳۸۴	۴۷/۴۶	۱/۱۰۱	۰/۱۷۴	۶/۳۵۱	۷۵۳	۰/۰۰۰ ^۱
	تاجیکستان	۳۸۴	۴۸/۵۶					
بعد آگاهی	ایران	۳۸۴	۱۵/۳۶	۱/۱۲۴	۰/۱۶۴	۵/۲۴۷	۷۶۶	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۳۸۴	۱۶/۴۶					
بعد تصمیم‌گیری	ایران	۳۸۴	۱۰/۴۴	۲/۰۲۰	۰/۲۳۹	۸/۴۶۳	۵۶۰	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۳۸۴	۱۲/۴۶					
بعد شرکت‌کردن	ایران	۳۸۴	۱۳/۹۸	۴/۵۶۲	۰/۳۱۰	۱۶۹۸ ۱۴	۵۰۲	۰/۰۰۰
	تاجیکستان	۳۸۴	۱۸/۵۴					
بعد رضایت‌داشتن	ایران	۳۸۴	۷/۰۷	۰/۲۱۳	۰/۱۶۳	۱/۳۰۲	۵۷۹	۰/۱۹۳
	تاجیکستان	۳۸۴	۷/۲۷					

با توجه به مندرجات جدول (۵) و مطالب فوق فرضیه کلی یکم تحقیق مبنی بر این‌که بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد تأیید می‌شود. البته باید خاطر نشان ساخت که در میان ابعاد چهارگانه مشارکت اجتماعی، بعد چهارم یعنی رضایت‌داشتن در هر دو جامعه تقریباً میزان یکسانی را نشان داده است.

فرضیه کلی دوم تحقیق: بین عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان تفاوت معناداری وجود دارد.

۱. معنی‌داری در سطح خطای ۰/۰۱

جدول (۶): آزمون t مستقل برای مقایسه تفاوت میانگین‌های اختلافی متغیرهای مستقل تحقیق در دو

جمعیت آماری

متغیر	جمعیت آماری	df	نسبت T	خطای معیار تفاوت‌ها	میانگین تفاوت	میانگین‌ها	df	میانگین‌ها	معناداری آزمون T
اعتماد اجتماعی	ایران	۷۰۹	۱۱/۸۱۷	۰/۶۸۵	۸/۰۹۴	۵۰/۵۰	۳۵۷	۵۰/۵۰	۰/۰۰۰
	تاجیکستان					۵۸/۶۰	۳۸۴	۵۸/۶۰	
اعتماد بین شخصی	ایران	۷۱۳	۱۱/۶۴۴	۰/۴۵۲	۶/۶۰۶	۳۰/۴۳	۳۸۴	۳۰/۴۳	۰/۰۰۰
	تاجیکستان					۳۷/۰۴	۳۸۴	۳۷/۰۴	
اعتماد نهادی	ایران	۷۳۸	۴/۲۳۴	۰/۳۲۰	۱/۳۵۹	۲۰/۲۰	۳۵۷	۲۰/۲۰	۰/۰۰۰
	تاجیکستان					۲۱/۵۶	۳۸۴	۲۱/۵۶	
نوع تعاملات اجتماعی	ایران	۷۰۰	۰/۲۷۴	۰/۳۳۳	۰/۰۹۱	۲۴/۸۰	۳۸۴	۲۴/۸۰	۰/۷۸۴
	تاجیکستان					۲۴/۷۰	۳۸۴	۲۴/۷۰	
تعاملات اجتماعی اظهاری	ایران	۷۶۶	۰/۴۷۲	۰/۲۲۰	۰/۱۰۴	۱۵/۰۸	۳۸۴	۱۵/۰۸	۰/۶۳۷
	تاجیکستان					۱۵/۱۸	۳۸۴	۱۵/۱۸	
تعاملات اجتماعی ابزاری	ایران	۶۸۳	۱/۱۲۲	۰/۱۷۴	۰/۱۹۶	۹/۷۱	۳۸۴	۹/۷۱	۰/۲۶۲
	تاجیکستان					۹/۵۱	۳۸۴	۹/۵۱	
نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی	ایران	۶۶۷	۰/۶۵۲	۰/۲۱۶	۰/۱۴۰	۱۷/۹۷	۳۸۴	۱۷/۹۷	۰/۵۱۵
	تاجیکستان					۱۷/۸۲	۳۸۴	۱۷/۸۲	
نوع ارزش‌های اجتماعی	ایران	۶۶۰	۹/۳۱۴	۰/۲۴۸	۲/۳۰۲	۳۶/۲۷	۳۸۴	۳۶/۲۷	۰/۰۰۰
	تاجیکستان					۳۳/۹۷	۳۸۴	۳۳/۹۷	
توجه به ارزش‌های اجتماعی مادی	ایران	۶۰۲	۱۲/۹۲۶	۰/۲۳۱	۲/۹۹۰	۱۳/۱۷	۳۸۴	۱۳/۱۷	۰/۰۰۰
	تاجیکستان					۱۶/۱۶	۳۸۴	۱۶/۱۶	
توجه به ارزش‌های اجتماعی فرا مادی	ایران	۶۷۶	۲۹/۱۵۶	۰/۱۸۲	۵/۲۹۱	۲۳/۱۰	۳۸۴	۲۳/۱۰	۰/۰۰۰
	تاجیکستان					۱۷/۸۲	۳۸۴	۱۷/۸۲	
عملکرد مکانیسم جامعه‌پذیری	ایران	۷۱۰	۱۴/۹۹۳	۰/۲۳۵	۳/۵۳۳	۲۵/۰۰	۳۸۴	۲۵/۰۰	۰/۰۰۰
	تاجیکستان					۲۸/۵۵	۳۸۴	۲۸/۵۵	
بیگانگی اجتماعی-سیاسی	ایران	۷۶۶	۷/۵۱۷	۰/۲۳۳	۱/۷۵۶	۲۷/۱۱	۳۸۴	۲۷/۱۱	۰/۰۰۰
	تاجیکستان					۲۸/۸۸	۳۸۴	۲۸/۸۸	

۰/۰۰۰	۷۶۶	۱۱/۸۳۵	۰/۲۰۵	۲/۴۳۲	۱۶/۲۱	۳۸۴	ایران	احساس نابهنجاری اجتماعی
					۱۸/۶۵	۳۸۴	تاجیکستان	
۰/۰۰۰	۷۵۴	۱۳/۲۹۷	۰/۲۹۸	۳/۹۵۶	۲۵/۰۹	۳۸۴	ایران	احساس از خود بیگانگی
					۲۹/۰۵	۳۸۴	تاجیکستان	
۰/۰۰۰	۷۵۳	۷/۷۹۲	۰/۲۵۰	۱/۹۵۰	۱۹/۲۳	۳۸۴	ایران	احساس محرومیت نسبی
					۲۱/۱۸	۳۸۴	ایران	
۰/۰۰۰	۷۳۶	۲۸/۰۶۸	۰/۲۲۳	۶/۲۶۰	۵/۰۸	۳۷۳	ایران	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
					۱۱/۳۳	۳۷۰	تاجیکستان	
۰/۰۰۰	۶۶۶	۶/۱۴۶	۰/۰۵۸	۰/۳۵۷	۲/۸۰	۳۸۰	ایران	تحصیلات
					۲/۴۴	۳۷۹	تاجیکستان	
۰/۹۱۰	۷۶۲	۰/۱۱۳	۰/۲۰۵	۰/۲۳۳	۲۵/۷۳	۳۸۰	ایران	سن
					۲۵/۷۲	۳۸۴	تاجیکستان	

ادامه جدول (۶): آزمون مربع کای و فی برای مقایسه متغیرهای مستقل تحقیق در دو جمعیت آماری

متغیر	جمعیت آماری	فراوانی	فرضیه	مقدار ضرایب	df	Sig:	مشاهدات معتبر تعداد
وضعیت شغلی	ایران	۳۸۱	Chi-Square Phi	V: ۲۰۹/۲۰۶	۴	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	۷۶۱
	تاجیکستان	۳۸۰		V: ۰/۵۲			
وضعیت تأهل	ایران	۳۸۰	Chi-Square Phi	V: ۱۲۹/۶۳۰	۲	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	۷۶۳
	تاجیکستان	۳۸۲		V: ۰/۴۱			
جنس	ایران	۳۸۴	Chi-Square Phi	V: ۰/۵۲۴	۱	Sig: ۰/۸۸۵ Sig: ۰/۸۸۵	۷۶۸
	تاجیکستان	۳۸۴		V: ۰/۰۲			

با توجه به مندرجات جدول (۶)، فرضیه کلی دوم مبنی بر این که بین عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی جوانان در دو جامعه تفاوت معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود. البته متغیرهای نوع تعاملات اجتماعی جوانان، نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی جوانان، سن و جنس جوانان در هر دو جامعه تقریباً میزان یکسانی را نشان داده است.

تحلیل دو متغیره و آزمون فرضیه‌های جزئی تحقیق در گام اول

جدول (۷): توزیع ضرایب، مقدار و سطح معناداری متغیرهای مستقل را در ارتباط با متغیر وابسته تحقیق نشان می‌دهد:

جدول (۷): توزیع ضرایب، مقدار و سطح معناداری متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحقیق

تعداد مشاهدات معتبر	سطح معناداری	مقدار ضرایب	ضرایب	متغیر
۷۴۱	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: ۰/۲۳ V: ۰/۳۷	Kendall's tau Somers d	رابطه بین اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: ۰/۲۶ V: ۰/۳۶	Kendall's tau Somers d	رابطه بین اعتماد بین شخصی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۴۱	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: ۰/۲۶ V: ۰/۳۱	Kendall's tau Somers d	رابطه بین اعتماد نهادی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۳ Sig: ۰/۰۰۳	V: ۰/۱۱ V: ۰/۱۳	Kendall's tau Somers d	رابطه بین نوع کنش‌های اجتماعی (عام گرایی در برابر خاص گرایی) و با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۱ Sig: ۰/۰۰۱	V: ۰/۱۲ V: ۰/۱۳	Kendall's tau Somers d	رابطه بین نوع روابط و تعاملات اجتماعی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۱ Sig: ۰/۰۰۱	V: ۰/۱۴ V: ۰/۱۹	Kendall's tau Somers d	رابطه بین روابط و تعاملات اظهاری با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۷ Sig: ۰/۰۰۷	V: -۰/۱۱ V: -۰/۱۲	Kendall's tau Somers d	رابطه بین روابط و تعاملات ابزاری با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: -۰/۲۴ V: -۰/۳۱	Kendall's tau Somers d	رابطه بین احساس بی‌هنجاری اجتماعی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۶ Sig: ۰/۰۰۶	V: -۰/۱۰ V: -۰/۱۰	Kendall's tau Somers d	رابطه بین بیگانگی اجتماعی-سیاسی با مشارکت اجتماعی جوانان

ادامه جدول (۷): توزیع ضرایب، مقدار و سطح معناداری متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحقیق

تعداد مشاهدات معتبر	سطح معناداری	مقدار ضرایب	ضرایب	متغیر
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: -۰/۲۰ V: -۰/۳۲	Kendall's tau Somers d	رابطه بین احساس محرومیت نسبی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: ۰/۱۹ V: ۰/۲۳	Kendall's tau Somers d	رابطه بین عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۴ Sig: ۰/۰۰۴	V: ۰/۲۰ V: ۰/۲۳	Kendall's tau Somers d	رابطه بین توجه به نوع ارزش‌های اجتماعی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: -۰/۲۷ V: -۰/۳۱	Kendall's tau Somers d	رابطه بین توجه به ارزش‌های اجتماعی مادی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۴ Sig: ۰/۰۰۴	V: ۰/۳۰ V: ۰/۲۹	Kendall's tau Somers d	رابطه بین توجه به ارزش‌های اجتماعی فرامادی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: -۰/۲۸ V: -۰/۳۲	Kendall's tau Somers d	رابطه بین احساس از خودبیگانگی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۴۳	Sig: ۰/۰۰۲ Sig: ۰/۰۰۲	V: ۰/۱۸ V: ۰/۱۷	Kendall's tau Somers d	رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی با مشارکت اجتماعی
۷۵۹	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: ۰/۲۰ V: ۰/۱۹	Kendall's tau Somers d	رابطه بین میزان تحصیلات با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۱	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: ۸۱/۸۰ V: ۰/۳۲	Chi-Square Phi	رابطه بین وضعیت شغلی با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۳	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: ۵۷/۰۸ V: ۰/۲۸	Chi-Square Phi	رابطه بین وضعیت تأهل با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۸	Sig: ۰/۹۶۶ Sig: ۰/۹۶۶	V: ۰/۰۷ V: ۰/۰۱	Chi-Square Phi	رابطه بین جنس با مشارکت اجتماعی جوانان
۷۶۴	Sig: ۰/۰۰۰ Sig: ۰/۰۰۰	V: ۰/۲۰ V: ۰/۱۹	Kendall's tau Somers d	رابطه بین سن با مشارکت اجتماعی جوانان

بنابراین با توجه به مندرجات جدول (۷)، کلیه فرضیه‌های جزئی تحقیق به جز فرضیه ۱۰-۳ (رابطه جنس و مشارکت اجتماعی جوانان) در تحلیل دو متغیره مورد تأیید قرار گرفته‌اند، زیرا رابطه معناداری را با متغیر مشارکت اجتماعی از خود نشان دادند.

تحلیل چند متغیره و آزمون فرضیه‌های جزئی تحقیق در گام دوم

برای تحلیل چند متغیره از شاخص‌های آماری ذیل استفاده می‌شود:

• تحلیل و برازش نیکویی مدل از طریق رگرسیون چند متغیره

به منظور تشریح و تحلیل رگرسیون چند متغیره و دستیابی به مدل رگرسیونی مشارکت اجتماعی جوانان، ابتدا متغیرهای مستقل تحقیق به روش گام به گام انتخاب شده و در یک دستور رگرسیونی برای دستیابی به معادله نهایی، مورد استفاده قرار گرفت. جدول (۸) مدل رگرسیونی چند متغیره مشارکت اجتماعی جوانان را نشان می‌دهد. همچنین جدول (۹) شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی مشارکت اجتماعی جوانان را مشخص می‌کند:

جدول (۸): مدل رگرسیونی چند متغیره مشارکت اجتماعی جوانان

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند					
سطح معنی داری t	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرها
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۵/۳۲۱	۰/۱۵۸	۰/۰۶۲	۰/۲۳۴	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	-۸/۹۲۵	-۰/۳۹۵	۰/۰۶۶	-۰/۵۹۲	احساس از خودبیگانگی
۰/۰۰۰	۶/۲۳۱	۰/۲۸۵	۰/۰۵۲	۰/۳۲۴	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۴۰۱	۰/۱۹۴	۰/۰۲۸	۰/۱۲۵	میزان تحصیلات
۰/۰۰۰	-۳/۵۱۸	۰/۱۶۷	۰/۰۶۳	۰/۲۲۰	نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی
۰/۰۰۰	-۳/۰۴۳	-۰/۱۴۵	۰/۰۵۹	-۰/۱۸۰	بیگانگی اجتماعی-سیاسی
۰/۰۰۰	۷/۳۷۵	-	۰/۲۶۶	۱/۹۶۱	عرض از مبدأ (Constant)

جدول (۹): شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی مشارکت اجتماعی جوانان

Method : Stepwise	روش ورود متغیرها: روش گام به گام
M.R = ۰/۵۴	ضریب همبستگی چندگانه
$R^2 = ۰/۳۱$	ضریب تعیین
$R^2_{adj} = ۰/۳۰$	ضریب تعیین واقعی
S.E = ۰/۵۰۷	انحراف یا خطای معیار
ANOVA = ۳۱/۱۱۸	تحلیل واریانس
Sig = ۰/۰۰۰	سطح معناداری آزمون F

همان‌گونه که در جدول (۹) ملاحظه می‌شود؛ ضریب همبستگی چندگانه^۱ $M.R=۰/۵۴$ ، ضریب تعیین^۲ $R^2=۰/۳۱$ و ضریب تعیین تصحیح شده یا تعدیل یافته برابر با $R^2_{adj}=۰/۳۰$ می‌باشد؛ یعنی ۳۰ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق توسط متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیونی تبیین و پیش بینی می‌شود و ۷۰ درصد از واریانس متغیر وابسته مربوط به تأثیر متغیرهای بیرونی و ناشناخته است که در این مطالعه لحاظ نگردیده است. همچنین تحلیل واریانس و سطح معناداری F معناداری ضریب تعیین را نشان می‌دهد و بیانگر این مطلب است که متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیونی از توان تبیین متغیر وابسته تحقیق (مشارکت اجتماعی جوانان) برخوردار هستند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای فوق را می‌توان به صورت استاندارد شده و به شکل ریاضی چنین نوشت:

$$\begin{aligned}
 & \text{(میزان تحصیلات) } (۰/۱۹) + \text{(پایگاه اقتصادی- اجتماعی) } (۰/۲۸) + \text{(احساس از خودبیگانگی) } (-۰/۳۹) \\
 & + \text{(اعتماد اجتماعی) } (Y=۰/۱۵) \\
 & E \text{ (بیگانگی اجتماعی- سیاسی) } (-۰/۱۴) + \text{(نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی) } (-۰/۱۶)
 \end{aligned}$$

بر اساس معادله رگرسیونی فوق، نکات ذیل قابل توضیح است: ۱- اعتماد اجتماعی به میزان ۰/۱۵ بر مشارکت اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این امر است که به ازای هر واحد افزایش در میزان اعتماد اجتماعی، ۰/۱۵ به میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزوده می‌شود. ۲- احساس از خودبیگانگی به میزان ۰/۳۹- بر مشارکت اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این امر است که به ازای هر واحد کاهش در میزان احساس از خودبیگانگی جوانان، ۰/۳۹ به

1- Multiple Correlation Coefficient (R)

2- R Square

میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزوده می شود. ۳- پایگاه اقتصادی- اجتماعی به میزان ۰/۲۸ بر مشارکت اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این امر است که به ازای هر واحد افزایش در میزان پایگاه اقتصادی- اجتماعی جوانان، ۰/۲۸ به میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزوده می شود. ۴- میزان تحصیلات به میزان ۰/۱۹ بر مشارکت اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این امر است که به ازای هر واحد افزایش در میزان تحصیلات جوانان، ۰/۱۹ به میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزوده می شود. ۵- نوع جهت گیری کنش اجتماعی به میزان ۰/۱۶ بر مشارکت اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این امر است که به ازای هر واحد افزایش در میزان جهت گیری کنش اجتماعی جوانان به سمت عام گرایی و جمع محور بودن، ۰/۱۶ به میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزوده می شود. ۶- بیگانگی اجتماعی- سیاسی به میزان ۰/۱۴- بر مشارکت اجتماعی جوانان تأثیر دارد و این مطلب گویای این امر است که به ازای هر واحد کاهش در میزان بیگانگی اجتماعی- سیاسی جوانان، ۰/۱۴ به میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزوده می شود.

• تحلیل و برازش نیکویی مدل از طریق تحلیل مسیر

در این قسمت به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته با در نظر گرفتن تقدم و تأخر در میان آن‌ها از تحلیل مسیر استفاده می‌کنیم. به منظور مشخص شدن اثرات مستقیم، غیرمستقیم و نیز اثرات کل متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی جوانان؛ ابتدا مدل علی (مسیر) ترسیم می‌شود. نمودار (۲) مدل علی تحلیلی- تجربی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی جوانان را نشان می‌دهد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اکنون با در اختیار داشتن مدل علی می‌توان تأثیر مستقیم، تأثیر غیرمستقیم و نیز تأثیر کل متغیرهای مستقل مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان را به شرح جدول ۱۰ مشخص کرد:

جدول (۱۰): تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و نیز تأثیر کل متغیرهای مستقل بر مشارکت اجتماعی جوانان

مشارکت اجتماعی جوانان			متغیرهای مستقل
تأثیر کل	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر مستقیم	
-۰/۳۹	-	-۰/۳۹	احساس از خود بیگانگی
۰/۲۳	۰/۰۸	۰/۱۵	اعتماد اجتماعی
۰/۵۸	۰/۳۰	۰/۲۸	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
۰/۴۵	۰/۲۶	۰/۱۹	میزان تحصیلات
۰/۲۴	۰/۰۸	۰/۱۶	نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی
-۰/۲۲	۰/۰۹	-۰/۱۴	بیگانگی اجتماعی- سیاسی
-۰/۰۱۴	-۰/۰۱۴	-	احساس محرومیت نسبی
۰/۴۹	۰/۴۹	-	نوع روابط و تعاملات اجتماعی
۰/۴۷	۰/۴۷	-	توجه به نوع ارزش‌های اجتماعی
۰/۰۷	۰/۰۷	-	عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری
-۰/۲۳	-۰/۲۳	-	احساس نابهنجاری اجتماعی

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج و یافته‌های به‌دست آمده از طریق فرایند نظری و نیز تجربی- میدانی این پژوهش حاکی از این است که هدف کلی و اساسی تحقیق؛ یعنی بررسی و مقایسه مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران (تهران) و تاجیکستان (دوشنبه) حاصل شده است. متغیرهای مأخوذه از رویکردهای نظری مطرح شده در بخش چارچوب نظری به لحاظ تجربی در پژوهش حاضر مورد تأیید واقع شدند؛ بدین ترتیب:

۱- شناسایی میزان و روند سرمایه اجتماعی در میان مردم جامعه می‌تواند به شناسایی روند تحولات فرهنگی و اجتماعی آن جامعه کمک زیادی بکند. در مورد رابطه سرمایه اجتماعی با سایر متغیرها می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی، سیاسی و عضویت داوطلبانه در سازمان‌های غیر دولتی و انجمن‌های داوطلبانه از جمله پیامدهایی هستند که می‌توان انتظار داشت در شرایط وجود سرمایه اجتماعی بالا، زمینه مناسب‌تری برای تحقق یافتن پیدا کنند، زیرا مشارکت اجتماعی و سیاسی به‌عنوان بعد عینی سرمایه اجتماعی قلمداد می‌گردند. لذا سرمایه اجتماعی بالا در یک جامعه بازتولید نمی‌شود مگر آن‌که بعد ذهنی سرمایه اجتماعی که همانا گسترش اعتماد اجتماعی در آن

جامعه است، تحقق پیدا کند. از این منظر در ذیل تئوری‌های مرتبط با اعتماد اجتماعی از آراء و اندیشه‌های رابرت پوتنام و آنتونی گیدنز استفاده کردیم. بر طبق نظر آنان اگر اعتماد اجتماعی و بالاخص اعتماد نهادی و انتزاعی در میان جوانان دو کشور ایران و تاجیکستان گسترش پیدا کند اعتماد جوانان نسبت به نظام اجتماعی و ساختار سیاسی تقویت می‌گردد که یکی از نتایج آن می‌تواند افزایش مشارکت اجتماعی جوانان در عرصه‌های گوناگون باشد.

یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش میدانی حاکی از آن است که متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی) در دو جمعیت آماری مورد مطالعه بر طبق تحلیل توصیفی داده‌ها متوسط می‌باشد (جدول ۴). این امر فرسایش سرمایه اجتماعی را در دو جمعیت آماری مورد مطالعه متذکر می‌شود. چراکه اعتماد اجتماعی به‌عنوان بعد ذهنی، یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی قلمداد می‌گردد. علاوه بر این نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها در بخش تحلیل دو متغیره (جدول ۷) و نیز تحلیل چند متغیره (جداول ۸ و ۱۰ و نیز نمودار ۲) گویای معناداری رابطه متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن (اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی) با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیرگذاری اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی جوانان به لحاظ تجربی با نتایج پژوهش‌های رونالد اینگلهارت (۱۳۷۳)، غلامرضا غفاری (۱۳۸۰)، علیرضا دهقان و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴)، میرطاهر موسوی (۱۳۸۵)، مژگان عظیمی (۱۳۸۲)، احمد آقایی (۱۳۸۲)، مریم صادقی و خدیجه سفیری (۱۳۸۸) و مهدی اختیاری (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

۲- از دید تالکوت پارسونز این ارزش‌ها هستند که در عمل، شرایط ساختی کنش اجتماعی را در قالب متغیرهای الگویی می‌سازند. وی متغیرهای الگویی را در قالب مواردی همچون: ۱- عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی، ۲- ماهیت در برابر دستاورد، ۳- اشاعه در برابر ویژگی ۴- کنش عاطفی در برابر کنش غیرعاطفی، ۵- فعال‌گرایی در برابر انفعال‌گرایی مطرح می‌کند. لذا با توجه به شقوق دو گانه متغیرهای الگویی پارسونز می‌توان چنین استنباط کرد که بسط عام‌گرایی (توجه به منافع جمعی) موجب افزایش مشارکت اجتماعی افراد در جامعه می‌گردد.

یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش میدانی حاکی از آن است که متغیر نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی جوانان بر طبق تحلیل توصیفی داده‌ها در دو جمعیت آماری مورد مطالعه بینابین (ما بین عام‌گرایی و خاص‌گرایی) می‌باشد (جدول ۴). این امر نسبتاً مشخص نبودن نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی جوانان را در جمعیت آماری مورد مطالعه متذکر می‌شود. علاوه بر این؛ نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها در بخش تحلیل دو متغیره (جدول ۷) و نیز تحلیل چند متغیره (جداول ۸ و ۱۰ و نیز نمودار ۲) گویای معناداری رابطه متغیر نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی جوانان با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیرگذاری نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی جوانان بر مشارکت اجتماعی جوانان به لحاظ تجربی با نتایج پژوهش‌های رونالد اینگلهارت

(۱۳۷۳)، دیوید سیلز (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹)، غلامرضا غفاری (۱۳۸۰)، لیلا یزدان پناه (۱۳۸۲)، حسین دانش مهر و رشید احمدرش (۱۳۸۸)، علیرضا دهقان و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴)، مژگان عظیمی (۱۳۸۲)، احمد آقایی (۱۳۸۲)، فاطمه صمدیان و لیلا یزدان پناه (۱۳۸۷)، مهدی اختیاری (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

۳- چلبی (۱۳۷۵) بر مبنای تئوری نظام شخصیت و نیز نظام اجتماعی تالکوت پارسونز اذعان می‌دارد که اگر افراد جامعه و بالاخص جوانان دارای نظام شخصیتی رشد یافته باشند، در این صورت نسبت به سایر افراد جامعه خود اعتماد کرده و سعی در برقراری کنش عاطفی، مبادله‌ای و نیز گفتمانی با آن‌ها می‌کنند، در نتیجه تعاملات اظهاری بین آن‌ها به وجود می‌آید که این امر به نوبه خود بر مشارکت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به‌طور کلی چلبی تعاملات از نوع اظهاری را یکی از ابعاد بنیادین ساخت اجتماعی می‌داند که در عرصه نظم بخشیدن به جامعه و یا هر نوع سازمان اجتماعی و گسترش همکاری‌های اجتماعی و تقویت هنجارهای مشارکت جویانه مردم بسیار مؤثر است.

یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش میدانی حاکی از آن است که متغیر نوع تعاملات اجتماعی جوانان بر طبق تحلیل توصیفی داده‌ها در دو جمعیت آماری مورد مطالعه بینابین (ترکیبی از تعاملات اظهاری و ابزاری) می‌باشد (جدول ۴). این امر نامشخص بودن و بسته به شرایط عمل کردن نوع تعاملات اجتماعی جوانان و ابعاد آن را در جمعیت آماری مورد مطالعه متذکر می‌شود. علاوه بر این؛ نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها در بخش تحلیل دو متغیره (جدول ۷) و نیز تحلیل چند متغیره (جدول ۸ و ۱۰ و نیز نمودار ۲) گویای معناداری رابطه متغیر نوع تعاملات اجتماعی جوانان با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیرگذاری نوع تعاملات اجتماعی جوانان بر مشارکت اجتماعی به لحاظ تجربی با نتایج پژوهش‌های احمد آقایی (۱۳۸۲)، مژگان عظیمی (۱۳۸۲)، باقر ساروخانی و محمد امیرپناهی (۱۳۸۵)، میرطاهر موسوی (۱۳۸۵)، علیرضا دهقان و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴) و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰) همخوانی دارد.

۴- رابرت مرتن همه صور اختلالات رفتاری و اجتماعی را به‌عنوان یک مسأله اجتماعی که برخاسته از ساخت اجتماعی است در نظر می‌گیرد.

یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش میدانی حاکی از آن است که متغیر احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان بر طبق تحلیل توصیفی داده‌ها در دو جمعیت آماری مورد مطالعه متوسط می‌باشد (جدول ۴). این امر وجود شرایط آنومیک دو جامعه و احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان را در دو جمعیت آماری مورد مطالعه متذکر می‌شود. علاوه بر این؛ نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها در بخش تحلیل دو متغیره (جدول ۷) و نیز تحلیل چند متغیره (جدول ۸ و ۱۰ و نیز نمودار ۲) گویای معناداری رابطه متغیر احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیرگذاری احساس بی‌هنجاری اجتماعی

جوانان بر مشارکت اجتماعی به لحاظ تجربی با نتایج پژوهش‌های لیلا یزدان پناه (۱۳۸۲)، غلامرضا غفاری (۱۳۸۰) و علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۷۰) همخوانی دارد.

۵- امیل دورکیم مضمون بیگانگی را در بی معنایی و بی هنجاری ناشی از شرایط آنومیک می‌داند که بخاطر انتقال جامعه از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی یا از جامعه سنتی به جامعه مدرن ایجاد شده که نتیجه آن جدایی فرد از نظام اجتماعی است. این امر در نهایت زمینه بروز انواع آسیب‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی از جمله کاهش مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌سازد.

یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش میدانی حاکی از آن است که متغیر بیگانگی اجتماعی - سیاسی بر طبق تحلیل توصیفی داده‌ها در دو جمعیت آماری مورد مطالعه متوسط می‌باشد (جدول ۴). این امر وجود بیگانگی اجتماعی - سیاسی را در دو جمعیت آماری مورد مطالعه متذکر می‌شود. علاوه بر این نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها در بخش تحلیل دو متغیره (جدول ۷) و نیز تحلیل چند متغیره (جدول ۸ و ۹ و نیز نمودار ۲) گویای معناداری رابطه متغیر بیگانگی اجتماعی - سیاسی با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیرگذاری بیگانگی اجتماعی - سیاسی جوانان بر مشارکت اجتماعی به لحاظ تجربی با نتایج پژوهش‌های لیلا یزدان پناه (۱۳۸۲)، غلامرضا غفاری (۱۳۸۰) و علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۷۰)، احمد آقایی (۱۳۸۲) و علیرضا دهقان و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴) همخوانی دارد.

۶- ملوین سیمن از خود بیگانگی را معلول ساختار دیوانسالاری جدید (عثانیت صوری) می‌داند که در آن انسانها قادر به کنترل عواقب اعمال و رفتارهای خود نیستند. در چنین وضعیتی است که احساس از خود بیگانگی بر فرد غلبه می‌کند. ملوین سیمن پنج شاخص: احساس بی قدرتی، احساس بی معنایی، احساس بی هنجاری؛ احساس از خود بی‌بزاری و احساس انزوای اجتماعی را از ویژگی‌های بارز انسان از خود بیگانه بر می‌شمرد. این امر به مرور زمان منجر به بیگانگی اجتماعی - سیاسی و کاهش فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی از جمله کاهش مشارکت اجتماعی فرد در جامعه می‌گردد.

یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش میدانی حاکی از آن است که متغیر احساس از خود بیگانگی بر طبق تحلیل توصیفی داده‌ها در دو جمعیت آماری مورد مطالعه متوسط می‌باشد (جدول ۴). این امر وجود احساس از خود بیگانگی را در دو جمعیت آماری مورد مطالعه متذکر می‌شود. علاوه بر این؛ نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌ها در بخش تحلیل دو متغیره (جدول ۷) و نیز تحلیل چند متغیره (جدول ۸ و ۱۰ و نیز نمودار ۲) گویای معناداری رابطه متغیر احساس از خود بیگانگی با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیرگذاری احساس از خود

بیگانگی جوانان بر مشارکت اجتماعی به لحاظ تجربی با نتایج پژوهش‌های نلسون و راییت (به نقل از دهقان و غفاری، ۱۳۸۴) و نیز علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۷۰) همخوانی دارد.

۷- مفهوم محرومیت نسبی به‌عنوان برداشت افراد از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی‌شان تعریف می‌شود؛ به معنای دقیق‌تر؛ انتظارات فزاینده و شکاف میان وضع موجود و وضع مطلوبی که فرد انتظار دارد؛ داشته باشد. سوق دهنده فرد به سوی احساس محرومیت نسبی قلمداد می‌گردد. نظریه محرومیت نسبی بیان می‌دارد که افراد دارای محرومیت نسبی از یک سو مستعد جرایم، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی هستند و از سوی دیگر؛ از جمع و نظام اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی خاصه مشارکت اجتماعی دوری می‌جویند.

یافته‌های به دست آمده از پژوهش میدانی حاکی از این مطلب می‌باشد که متغیر احساس محرومیت نسبی بر طبق تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش در دو جمعیت آماری مورد مطالعه متوسط می‌باشد (جداول ۴). علاوه بر این؛ نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌های پژوهش در قسمت تحلیل دو متغیره (جداول ۷) و نیز تحلیل چند متغیره (جداول ۸ و ۱۰ و نیز نمودار ۲) گویای معناداری رابطه متغیر احساس محرومیت نسبی با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان می‌باشد.

۸- همان‌گونه که در چارچوب نظری هم بیان شد؛ جامعه پذیری به باور هورتون وهانت فرایندی است که از طریق آن افراد هنجارها و ارزشهای گروه و جامعه خود را درونی می‌کنند و تبدیل به یک شخص اجتماعی می‌شوند.

یافته‌های به دست آمده از پژوهش میدانی حاکی از این مطلب می‌باشد که متغیر عملکرد مکانیسم‌های جامعه پذیری بر طبق تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش در دو جمعیت آماری مورد مطالعه متوسط می‌باشد (جداول ۴). علاوه بر این؛ نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌های پژوهش در قسمت تحلیل دو متغیره (جداول ۷) و نیز تحلیل چند متغیره (جداول ۸ و ۱۰ و نیز نمودار ۲) گویای معناداری رابطه متغیر عملکرد مکانیسم‌های جامعه پذیری یا متغیر مشارکت اجتماعی جوانان می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیرگذاری عملکرد مکانیسم‌های جامعه پذیری بر مشارکت اجتماعی جوانان به لحاظ تجربی با نتایج پژوهش‌های محمد امیرپناهی و باقر ساروخانی (۱۳۸۵)، مهدی اختیاری (۱۳۸۹)، منصور وثوقی و افسانه یوسفی آقابین (۱۳۸۴) و دیوید سیلز (به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۶۹) همخوانی دارد.

۹- نظریه دگرگونی ارزشی اینگلههارت می‌تواند به لحاظ جوان بودن ساختار جامعه ایرانی و تاجیکی قادر به توضیح جهت تغییرات فرهنگی و بالاحص تغییرات ارزشی باشد. از این منظر می‌توان چنین استنباط کرد که مشارکت اجتماعی در ایران و تاجیکستان منوط به دگرگونی ارزشی جامعه از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی است؛ چراکه توجه به مباحث آزادی بیان، مشارکت

مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت، اعطای حق بیشتر مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و فعالیت‌های اجتماعشان در زمره ارزش‌های فرامادی تلقی می‌شوند.

یافته‌های به دست آمده از پژوهش میدانی حاکی از این مطلب می‌باشد که متغیر نوع ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه بر طبق تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش در دو جمعیت آماری مورد مطالعه بینابین (ترکیبی از ارزش‌های مادی و فرامادی) می‌باشد (جدول ۴). علاوه بر این نتایج حاصل از تحلیل استنباطی داده‌های پژوهش در قسمت تحلیل دو متغیره (جدول ۷) و نیز تحلیل چند متغیره (جدول ۸ و ۱۰ و نیز نمودار ۲) گویای معناداری رابطه متغیر نوع ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر تأثیرگذاری نوع ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه بر مشارکت اجتماعی جوانان به لحاظ تجربی با نتایج پژوهش‌های اینگلهارت (۱۳۷۳) همخوانی دارد.

با استناد بر نتایج و یافته‌های به دست آمده از تحلیل رگرسیونی چند متغیره در ارتباط با روابط بین متغیرها، مدل رگرسیونی چند متغیره مشارکت اجتماعی جوانان (جدول ۸) معادله رگرسیونی به‌عنوان مدل و الگوی نهایی پذیرفته می‌شود. با توجه به نتایج و یافته‌های به دست آمده از تحلیل مسیر در ارتباط با روابط علی بین متغیرها (جدول ۱۰)، مدل علی تجربی مشارکت اجتماعی جوانان (نمودار ۲) به عنوان مدل و الگوی نهایی پذیرفته می‌شود. در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولاً وضعیت مشارکت اجتماعی کشورهای در حال توسعه ایران و تاجیکستان تقریباً مشابه هم می‌باشد. ثانیاً جنبه‌های ذهنی مشارکت اجتماعی (آگاهی، آمادگی و تصمیم‌گیری) به مراتب بیشتر از جنبه‌های عینی مشارکت اجتماعی (مشارکت واقعی و اقدامات هماهنگ) می‌باشد. در این قسمت با استناد به سوابق نظری و نیز یافته‌های تجربی به منظور افزایش میزان مشارکت اجتماعی جوانان در دو کشور ایران و تاجیکستان راهکارهایی در ذیل چند محور کلی ارائه می‌گردد:

۱- افزایش میزان مشارکت اجتماعی جوانان در گرو افزایش سرمایه اجتماعی در دو جامعه ایران و تاجیکستان می‌باشد؛ بدین ترتیب که: با توجه به این که در تحقیق حاضر متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی جوانان (اعم از اعتماد افقی یا بین شخصی و اعتماد عمودی یا نهادی)، نوع تعاملات اجتماعی جوانان و نیز نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی جوانان از عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی جوانان قلمداد شدند؛ همچنین با توجه به این که متغیرهای مستقل مذکور و نیز متغیر وابسته تحقیق که مشارکت اجتماعی جوانان است؛ به‌عنوان ابعاد و مولفه‌های سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شوند؛ میزان متغیرهای اعتماد اجتماعی (بین شخصی و نهادی)، تعاملات اجتماعی (به‌ویژه تعاملات اظهاری)، نوع جهت‌گیری کنش اجتماعی و مشارکت اجتماعی، فرسایش سرمایه اجتماعی

را در دو جامعه ایران و تاجیکستان گوشزد می‌کند. لذا سرمایه اجتماعی^۱ که اشاره به مجموعه روابط و هنجارهایی دارد که به کیفیت و کمیت روابط اجتماعی افراد سامان می‌بخشد و در واقع اتصال دهنده افراد در قالب نهادها و شبکه‌ها و تشکل‌های داوطلب است؛ می‌تواند بستر مشارکت اجتماعی را فراهم سازد و موجب ارتقای سطح همکاری اعضای جامعه گردد.

۲- افزایش میزان مشارکت اجتماعی جوانان در گرو کاهش و کنترل شرایط آنومیک اجتماعی حاکم بر جوامع ایران و تاجیکستان می‌باشد؛ بدین ترتیب که: بالاتر از سطح متوسط بودن میزان متغیرهای مستقل احساس بی‌هنجاری اجتماعی جوانان، احساس محرومیت نسبی جوانان، احساس بیگانگی اجتماعی- سیاسی جوانان و احساس از خودبیگانگی، شرایط آنومیک را در دو سطح فردی و اجتماعی گوشزد می‌کند. لذا به جاست که از سوی مسئولین و دست‌اندرکاران دو کشور اقداماتی به شرح زیر در جهت کاهش و کنترل شرایط آنومیک (ناهنجاری) صورت گیرد:

- ۱- مقابله با فساد اداری و برخورد جدی با افرادی که قوانین و مقررات را نقض می‌کنند.
- ۲- برخورد با افرادی که روابط را بر ضوابط در حل و فصل امور به کار می‌گیرند.
- ۳- مقابله با انتصاب گرایی و توجه به شایسته‌سالاری و لیاقت در تفویض مشاغل به افراد و یا ارتقاء شغلی در جامعه.

۴- برخورد جدی با افرادی که از راههای نامشروع کسب ثروت و یا منصبی کردند و به اصطلاح مرتونی در زمره نوآوران محسوب می‌شوند.

۵- برنامه ریزی و تدوین استراتژی‌های لازم از سوی مسئولین و دست‌اندرکاران مربوطه به منظور انجام اقدامات پیش‌گیرانه و مداخلاتی برای مقابله با انواع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در جامعه که به اصطلاح مرتونی گروه واگرایان و مطرودین اجتماع با آن مواجهه هستند.

۶- باید تدابیری اندیشید تا انتظارات فزاینده جوانان کاهش یابد. مکانیسم‌های جامعه‌پذیری بالاخص نهاد آموزش و رسانه‌های گروهی نقش مهمی را می‌توانند در زمینه کاهش انتظارات فزاینده افراد جامعه ایفاء کنند.

۷- توجه به وضعیت اشتغال جوانان متناسب با دانش، مهارت و توانایی‌های آن‌ها در دو جامعه مورد بررسی، زیرا جوانان با پرداختن به کار و فعالیت‌های اقتصادی علاوه بر این که موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌شوند؛ توانایی لازم را برای انجام فعالیت‌های اجتماعی به دست می‌آورند. البته باید توجه شود که مشاغل باید جامعه‌باشند.

۳- افزایش میزان مشارکت اجتماعی جوانان در گرو بهبودی عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری در دو جامعه ایران و تاجیکستان می‌باشد؛ یعنی عملکرد مکانیسم‌های جامعه‌پذیری در دو

جامعه چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی بهبود یابند. بدین ترتیب که: مکانیسم‌های جامعه‌پذیری به‌واسطه آموزش و آگاهی دادن در پرورش افراد مشارکت‌جو نقش قابل توجهی را دارند. در این رابطه راجرز که از تئوریسین‌های مکتب نوسازی می‌باشد؛ عنصر آگاهی و آموزش اجتماعی را مهمترین ارکان تغییر و تحول فردی و اجتماعی می‌داند و فقدان آن را از موانع مشارکت و توسعه به حساب می‌آورد. لذا هر چه میزان آگاهی جوانان نسبت به پدیده مشارکت به‌واسطه آموزش‌های رسمی (توسط نهاد رسانه و نهاد آموزش) و آموزش‌های غیر رسمی (توسط نهاد خانواده و همسالان) بیشتر باشد؛ میزان مشارکت اجتماعی آنها نیز بیشتر خواهد شد.

۴- افزایش میزان مشارکت اجتماعی جوانان در گرو عام‌گرا بودن جهت‌گیری کنش اجتماعی و اظهاری بودن نوع تعاملات اجتماعی جوانان در جوامع ایران و تاجیکستان می‌باشد؛ لذا این وظیفه خرده نظام فرهنگی جامعه است که به کمک ابزارهایی همچون نهاد رسانه و نهاد آموزش به‌گونه‌ای افراد جامعه را جامعه‌پذیر کنند که در کنش‌های خود منافع جمعی را در نظر گیرند، یعنی دارای جهت‌گیری عام باشند. همچنین در تعاملات اجتماعی خود، اظهاری رفتار کنند؛ یعنی دارای روابط گرم، صمیمی و اطمینان‌بخش با دیگران باشند و سعی کنند که مشکلات خود را از طریق منطق و گفتگو و تبادل اطلاعات حل کنند.

۵- افزایش میزان مشارکت اجتماعی جوانان در گرو دگرگونی ارزشی و تغییرات فرهنگی در دو جامعه ایران و تاجیکستان می‌باشد؛ یعنی باید تغییرات فرهنگی در جهت انتقال ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی امکان‌پذیر باشد زیرا توجه به مباحث آزادی بیان، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت، اعطای حق بیشتر مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و فعالیت‌های اجتماعشان در زمره شاخص‌های ارزش‌های فرامادی تلقی می‌شوند.

۶- افزایش میزان مشارکت اجتماعی جوانان در گرو تغییرات ویژگی‌های جمعیتی یا فردی - اجتماعی می‌باشد؛ بدین ترتیب که: با توجه به معناداری رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، سن با متغیر مشارکت اجتماعی جوانان به لحاظ تجربی مبنی بر این‌که افراد متعلق به طبقات اجتماعی متوسط و بالا، افراد دارای تحصیلات بالا، افراد متأهل، افراد شاغل و افراد در سنین بالاتر از میزان مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردار می‌باشند، لازم می‌آید که علاوه بر لحاظ شدن تناسب سنی با نوع فعالیت اجتماعی به منظور افزایش مشارکت اجتماعی جوانان، دولتمردان نسبت به وضعیت شغلی و معیشتی جوانان توجه نشان دهند و تصمیمات و تسهیلات لازم را در این خصوص در نظر گیرند.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۷۷)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، مترجم: باقر پرهام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی کاشان، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴)؛ *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: انتشارات کیهان، چاپ پنجم.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، *توسعه روستایی با تأکید بر انقلاب اسلامی*، تهران، نشر نی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷)؛ *توسعه پایدار روستایی*، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
- امیر کافی، مهدی (۱۳۷۵)، «اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- امیرانی محمد مهدی (۱۳۸۰)، بررسی زمینه‌های مشارکت روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، *مجله جهاد*، سال ۱۰، شماره ۲۱۴ و ۲۱۵.
- اوکلی، پیترو و مارسدن، دیوید (۱۳۷۰)، *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*، مترجم: منصور محمود نژاد، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی*، تهران: نشر مرکز.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، «*تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*»، مترجم: مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- باتامور، تی‌بی (۱۳۶۸)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، مترجم: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: انتشارات کیهان.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، مترجم: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ سوم.
- بیکر، ترز. ال (۱۳۷۷)، *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- تونکیس، فران (۱۳۸۷)، *اعتماد و جامعه مدنی (اعتماد و سرمایه اجتماعی)*، مترجم: محمدتقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، چاپ اول.
- حامد مقدم، احمد (۱۳۷۰)، مشارکت و توسعه مشارکتی، *مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه*، تهران، انتشارات سمت.
- خالقی‌فر، مجید (۱۳۸۱)، «بررسی نظام ارزشی (ارزش‌های مادی/ فرامادی) دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شناسایی عوامل موثر بر آن به همراه روابط آن با برخی از نشانگان فرهنگی»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- چلیپی، مسعود (۱۳۸۱)، *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
- چلیپی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.

- چمبرز، رابرت (۱۳۷۸)، *جابجایی الگوها و شیوه کار پژوهش و توسعه مشارکتی*، ترجمه: عبدالرسول مرتضوی، مجله روستا و توسعه، سال سوم، شماره ۳ و ۴.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۷)، *درآمدی بر جامعه*، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، مشارکت اجتماعی: هدف یا وسیله، *مجله اطلاعات سیاسی-اجتماعی*، سال دهم، شماره ۱۱۰-۱۰۹.
- روشه، گی (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات تبیان.
- روشه، گی (۱۳۷۰)، کنش اجتماعی، ترجمه دکتر هما زنجانی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ریترز، جورج (۱۳۸۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ هشتم.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۰)، *روانشناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ پنجم.
- شهسواری، محمد (۱۳۸۴)، «بررسی الگوگزینی جوانان از الگوهای غربی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، *مشارکت در اداره امور شهرها، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تجارب جهانی و ایرانی*، تهران: مرکز مطالعات در برنامه ریزی شهری وزارت کشور، جلد ۱.
- غفاری، غلامرضا، نیازی، محسن (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی مشارکت*، تهران: انتشارات نزدیک.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، «تبیین عوامل اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان یافته به عنوان مکانیسمی برای توسعه روستائی در ایران»، پایان نامه دکتر، دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی (۱۳۷۵)، مفهوم مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی، *مجموعه مقالات اولین همایش مشارکت و توسعه*، ۲۸ و ۲۹ دی ماه، تهران: دفتر ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی.
- طالب، مهدی (۱۳۷۵)، *مدیریت روستایی در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۹)، *مشارکت و مدیریت مشارکت جو (نظام پذیرش و بررسی پیشنهادها)*، تهران: انتشارات مدیریت صنعتی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، مترجم: غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی*، مترجم: غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: انتشارات کویر، چاپ دوم.
- کرایب، یان (۱۳۸۲)، *نظریه اجتماعی کلاسیک*، مترجم: شهناز مسمی پرست، تهران: انتشارات آگه، چاپ اول.
- کائوتری، هوئین و دیگران (۱۳۷۹)، *مشارکت در توسعه*، مترجم: هادی غبرایی و دیگران، تهران: انتشارات روش کلمن. جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، نشر نی.

- کیویتسو، پیتر (۱۳۸۳): *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی، چاپ اول.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸): *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، مترجم: فرهنگ ارشاد، تهران، انتشارات نی.
- گر، تد. ابریت. (۱۳۷۷)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لیپست و دوز (۱۳۷۳): *جامعه‌شناسی سیاسی*، مترجم: محمدحسین فرجاد، تهران، انتشارات طوس.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، *بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی*، تهران: معاونت ترویج و مشارکت‌های مردمی، وزارت جهاد سازندگی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی؛ بررسی رابطه بین بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی، *نامه پژوهش*، شماره ۱.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، بیگانگی، *نامه علوم اجتماعی*، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، شماره دوم.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹)، "مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق"، *نامه علوم اجتماعی*، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳): *وندالیسم*، تهران: انتشارات آن، چاپ اول.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی، تهران: *فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- موسوی، میرطاهر؛ پیران، پرویز (۱۳۹۱): *درآمدی بر مشارکت اجتماعی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- ناطق پور، محمد جواد و فیروز آبادی، سید احمد (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران، *فصلنامه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی*، شماره ۲۴.
- یزدان پناه، لیلیا (۱۳۸۶)، موانع مشارکت شهروندان تهرانی، *فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶.
- یزدان پناه، لیلیا (۱۳۸۲)، "بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان ۱۸ سال به بالا مناطق ۲۲ گانه شهر تهران"، تهران: پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- یوسفی، محمدرضا (۱۳۸۳)، "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد شوراهای اسلامی (مطالعه موردی روستاهای کندوله شهرستان صحنه استان کرمانشاه)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.